



پژوهنده
ویژگی

آسیب‌های کتاب‌های
کمک‌درسی غیراستاندارد

کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد

ایجاد انحراف در مسیر یادگیری



محمد ناصری مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، مسئول دفتری است که از حدود بیست سال گذشته، در پی سامان دادن به وضعیت کتاب‌های آموزشی و تربیتی و خصوصاً کتاب‌های کمک‌درسی بوده است. او خود یک نویسنده است و سال‌های متمادی دبیر جشنواره کتاب رشد و جشنواره کتاب شهید غنی‌پور بوده است. آنچه می‌خوانید عبارتهایی پراکنده است که وی در برهه‌های مختلف و در گفت‌وگوهای گوناگون درباره کتاب‌های کمک‌درسی به زبان آورده است.

- ایجاد اختلال در برنامه‌های آموزشی و درسی، با ایجاد انحراف در مسیر مطالعه و یادگیری عمیق و اصولی دانش‌آموزان؛
 - تبدیل مسایل آموزشی و فرهنگی به کاری تجاری و سودجویانه و ایجاد زمینه برای انحرافات آموزشی و درسی؛
 - با توجه به اهداف و اصول تدوین کتاب‌های درسی و معیار بودن کتاب درسی از وجوه مختلف، جایگزین شدن هر عامل دیگری به جای کتاب درسی، می‌تواند در نظام آموزشی کشور ایجاد اختلال کند؛
 - سوق دادن دانش‌آموزان به سوی مطالعات سطحی و بدون عمق و دور کردن آنان از توانمندی‌ها و مهارت‌های حاصل از آموزش در کتاب‌های درسی؛
 - تقلیل دادن کتاب‌های درسی در حد کتاب‌های عامه فهم و دور کردن آن از استانداردهای تخصصی و شاخص‌های حرفه‌ای؛
 - ترویج پخته‌خواری و رونویسی، پنبه کردن رشته‌های نظام بزرگ تعلیم و تربیت و بی‌معنی و خنثی کردن اهداف و اصول برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی کشور؛
 - دامن زدن به سودجویی و ایجاد انحراف در دستگاه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی کشور، به جهت ایجاد جذابیت‌های مادی و مالی حاصله از این‌گونه فعالیت‌ها؛
 - تغییر ذائقه دانش‌آموزان از عمیق‌خوانی به سطحی‌خواندن و ایجاد انحراف در مسیر یادگیری عمیق و فهم درک همراه با خلاقیت و خودباوری؛
 - ایجاد رقابت‌های کاذب و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به خانواده‌ها و جامعه؛
 - لطمه زدن به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن، تداخل در امر تعلیم و تربیت و تنگ کردن عرصه برای کارهای اثرگذار معلمان؛
 - دامن زدن به چشم و هم‌چشمی در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان و ترویج فکر و نگاه رقابت‌مبته بر توان و امکانات مادی؛
 - ترویج خواندن کتاب‌های غیر اصیل و اجباری و دور کردن دانش‌آموزان از لذت مطالعه و کتاب‌خوانی؛
 - ممانعت از خلاقیت و تلاش سازنده دانش‌آموزان با ارائه خوراک آماده و دادن پاسخ‌های سؤالات کتاب‌های درسی که مبتنی بر فعالیت و تلاش هدفمند دانش‌آموزان طراحی شده‌اند؛
 - جلوگیری از شکل‌گیری دیالوگ سازنده بین دانش‌آموزان با معلمان و خانواده‌ها و تیم‌های دانش‌آموزی و ممانعت از فهم و یادگیری عمیق که می‌تواند حاصل گفت‌وگو باشد.
- توجه: در این نوشتار از مطالب و محتوای گفت‌وگوهای انجام شده با جناب آقای ناصری در نشریه رشد جوانه شماره ۴۶ - زمستان ۱۹۳، شماره ۴۷ - بهار ۹۴، شماره ۵۲ - تابستان ۹۵ و شماره ۵۸ زمستان ۹۶ استفاده شده است.

اندر احوالات کتاب‌های کمک‌درسی



طی سال‌های اخیر، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی به‌عنوان یکی از مواد اصلی آموزش، در مدرسه‌ها شایع شده است؛ کتاب‌هایی که اکثراً بر پایهٔ حافظه‌محوری و تکرار و تمرین تدوین شده‌اند و یادگیری عمیق در آن‌ها جایگاهی ندارد. حتی خانواده‌ها نیز تصور می‌کنند، مدرسه‌ای بهتر است که تعداد بیشتری کتاب کمک‌درسی کار می‌کند.

بدهد. حالا اگر در آزمون مدرسه‌های تیزهوشان / نمونه دولتی (یا در کنکور در رشتهٔ خوبی) قبول شود، یک چیزی.

صحنهٔ چهارم: جامعه

در مدرسه به شما چه چیزی یاد داده‌اند؟ در دانشگاه چی یاد گرفتید؟ مدرکتان به چه درد می‌خورد؟ به شما یاد نداده‌اند که ...

کتاب‌های کمک‌درسی خوب یا بد؟

این صحنه‌هایی است در وصف حال نظام آموزشی که البته متغیرهای زیادی در آن نقش دارند، اما سهم کتاب‌های کمک‌درسی و ناشران آن‌ها در ایجاد این حال بد کم نیست. البته بیراهه نرویم، منظورمان کتاب‌های کمک‌آموزشی نیست. (ر.ک. جدول شماره ۱) شایان ذکر است، کتاب‌هایی که به حل مستقیم تمرین‌های کتاب‌های درسی می‌پردازند، هیچ جایگاهی در میان کتاب‌های کمک‌درسی ندارند.

تعریف‌ها را ملاحظه می‌فرمایید؛ یکی از دیگری بهتر. این کتاب‌ها در تعریف با هدف‌های مناسبی تعریف شده‌اند، اما وقتی نمونه‌های تولیدشده را با ویژگی‌های ذکر شده در تعریف‌ها به محک ارزیابی می‌گذاریم، با انبوهی از کتاب‌های نامناسب مواجه می‌شویم که رسالت خود را کمک به قبولی دانش‌آموزان در آزمون‌ها تعریف کرده‌اند و نه تنها خودشان فایده‌ای ندارند، بلکه از طریق دور ساختن مدرسه‌ها و کلاس‌ها از هدف‌های اصلی

صحنهٔ اول: کوچه و خیابان

صبح اول وقت، پیاده که کوچه‌های شهر را طی کنید، به خیل انبوهی از دانش‌آموزان و اولیا برمی‌خورید که کیف که چه عرض کنم، چمدان مدرسه را با خود حمل می‌کنند. اگر آن‌ها از دانش‌آموزان دورهٔ دبستان باشند، رنج حمل این همه علم را در شیوهٔ راه رفتنشان نیز می‌بینید. دست در کیفشان که بکنید، همچون کمد آقای وویی، کتاب درسی و کمک‌درسی است که بیرون می‌ریزد و البته اگر از دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه باشند، کتاب‌های تست‌زنی ناشران شیفتهٔ خدمت به نظام آموزشی را هم می‌باید.

صحنهٔ دوم: مدرسه

امان از حجم کتاب‌های درسی! ما اصلاً نمی‌رسیم که درس‌ها را تمام کنیم. درس‌های مهمی هستند، بحث زیادی لازم دارند، اما وقت نداریم در یک زنگ ۷۰ دقیقه‌ای آن‌ها را جمع‌وجور کنیم. تازه کتاب کمک‌درسی را هم که باید کار کنیم!

صحنهٔ سوم: خانه

این بچه در طول روز فقط یک‌ونیم ساعت با ما وقت می‌گذراند. وقت ندارد فکر کند یا برای خودش فعالیت شخصی داشته باشد. خسته شدیم. صبح و ظهر که باید کیف مدرسه را حمل کنیم. کلی پول این کتاب و آن کتاب را بدهیم. تازه خانه که می‌آید، کلی تکلیف دارد که باید انجام دهد و نمونه سؤال که باید جواب

انواع کتاب‌های آموزشی و تربیتی		
<p>کتاب‌های تکمیلی: کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان هستند که به ارائه اطلاعات در چارچوب برنامه درسی و گاهی فراتر از آن می‌پردازند و می‌توانند به‌عنوان منبع و مرجع مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گیرند. این کتاب‌ها خودآموزند و برای تکمیل و یا توسعه برنامه درسی مصوب تولید می‌شوند. ویژگی بارز آن‌ها، قصد مؤلف مبتنی بر تدوین یک اثر آموزشی با استفاده از قالب‌های گوناگون و متنوع است. کتاب‌های تاریخیچه علوم گوناگون از همین نوع هستند و کتاب‌هایی که دایره اطلاعات دانش‌آموز را تکمیل می‌کنند و یا توسعه می‌بخشند، در این حوزه قرار می‌گیرند.</p>	<p>۱،۱ کتاب‌ها و منابع تکمیلی: کتاب‌ها و منابعی برای دانش‌آموزان هستند که در گستره‌های وسیع‌تر نسبت به کتاب‌های درسی، به تدارک فرصت‌ها و موقعیت‌های یادگیری می‌پردازند.</p>	<p>کتاب‌های کمک آموزشی: کتاب‌هایی هستند که باهدف ایجاد انگیزه، افزایش دانش و سواد علمی و توسعه یادگیری به‌منظور ارتقای شایستگی‌های لازم در دو بعد فردی و اجتماعی تهیه و تنظیم می‌شوند و الزاماً به برنامه‌های درسی دوره تحصیلی وابسته نیستند.</p>
<p>کتاب‌های جنبی و سرگرمی: کتاب‌هایی هستند که به باری آن‌ها مخاطبان با جنبه‌های متفاوت حوزه‌های یادگیری که در برنامه درسی فرصت‌های کمتری برای بروز و ظهور داشته‌اند، آشنا و به آن‌ها علاقه‌مند می‌شوند و شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن را مشاهده و تجربه می‌کنند. همچنین با تاریخ کشف، بسط و گسترش مباحث متنوع آن حوزه آشنا می‌شوند. این کتاب‌ها، مستقل از کتاب‌های درسی هستند و در صورت تغییر و تحول برنامه درسی موجودیت خود را حفظ می‌کنند. اغلب این کتاب‌ها با استفاده از فناوری‌های گوناگون به پرورش مهارت‌ها در قالب بازی و سرگرمی می‌پردازند.</p>	<p>۲،۱ کتاب‌های حمایتی: کتاب‌هایی هستند که به‌منظور ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان و کارشناسان و همچنین آگاهی والدین و همراهی آن‌ها با اهداف آموزش تولید می‌شوند.</p>	
<p>کتاب‌های مرجع: کتاب‌هایی هستند که معمولاً توسط متخصصان موضوعی باهدف ارائه اطلاعات (حقایق علمی و تحلیل حقایق) نگاشته می‌شوند. حقایق علمی عبارت‌اند از آنچه درستی آن‌ها ثابت شده یا قابل اثبات است و متن تحلیلی شامل تفسیر یا تحلیل این اطلاعات و حقایق می‌شود.</p>	<p>۳،۱ کتاب‌های فناوری: کتاب‌هایی هستند که با گسترش سواد علمی و فناوری، کاربرد فناوری در آموزش را بیان می‌کنند. همچنین از طریق آشنا کردن مخاطبان با محیط‌ها و ابزار فناوری، امکان به‌کارگیری این فناوری‌ها را در جهت رشد و توسعه یادگیری فراهم می‌کنند. دانش‌آموزان، معلمان و متصدیان کارگاه‌های رایانه و غیره در مدارس، مخاطبان این دسته از کتاب‌ها هستند.</p>	
<p>کتاب‌های حمایتی والدین: کتاب‌هایی هستند که والدین را با اهداف و روش‌های آموزش به‌منظور همراهی با فعالیت‌های آموزشی در مدرسه آشنا می‌کنند. باید توجه داشت که هدف این نوع کتاب‌ها سپردن بخشی یا تمام فرآیند آموزش به والدین نیست، بلکه قصد آن ایجاد فرصت تعامل والدین با کودکان از طریق شناساندن بایدها و نبایدهای آموزشی در محیط خارج از مدرسه است.</p>	<p>۱،۲ کتاب‌های کار: این نوع کتاب‌ها شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری هستند که در قلمرو مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی از برنامه درسی برگرفته شده‌اند و هدف آن‌ها توسعه صلاحیت‌های لازم است.</p> <p>۲،۲ کتاب‌های تمرین: کتاب‌هایی هستند که با تکرار فرصت‌های یادگیری، موجب تثبیت و توسعه یادگیری دانش‌آموزان می‌شوند.</p>	<p>کتاب‌های کمک‌درسی: کتاب‌هایی هستند که به‌منظور تسهیل، تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی در جهت اهداف برنامه‌ها و کتاب‌های درسی مرتبط تولید می‌شوند.</p>

جدول شماره ۱: تعاریف انواع کتاب‌های آموزشی و تربیتی

یا معتقدند، کتاب‌های کمک‌درسی اگر در سطح متعادل باشند، بد نیستند. مثلاً گاهی اوقات، یادگیری بچه‌ها از طریق شنیداری است. برای مثال، متن کتاب‌ها را به صورت لوح فشرده (CD) درآورده‌اند و می‌توان متن آن‌ها را گوش کرد. کودک می‌گوید: اگر من این کتاب را گوش بدهم، بهتر یاد می‌گیرم. اما از آن طرف هم، این کتاب‌ها بعد اقتصادی و سودآوری و آسیب‌های خودشان را دارند. یعنی متأسفانه، هدف کمک به کودکان نیست، هدف نوعی فروش این کتاب‌ها و منفعت‌طلبی

نظام آموزشی، نظام آموزشی کشور و به تبع آن برون‌دادهای نظام را به فاجعه تبدیل ساخته‌اند. البته برخی بر ضرورت وجود کتاب‌های کمک‌درسی تأکید دارند و معتقدند: «کتاب درسی در نظام جدید درسی، به برنامه محوری و بسته‌های چندرسانه‌ای و آموزشی تبدیل می‌شود و در این راستا مکمل‌هایی تحت عنوان کمک‌درسی‌ها احتیاج داریم تا بتواند هدف‌های سند تحول بنیادین را محقق کند» (دری، ۱۳۹۷).

هم هست [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

اقبال قاسمی پویا، متخصص آموزش و پرورش، درباره کتاب‌های کمک‌درسی می‌گوید: «این کتاب‌ها جز آماده کردن برای کنکور و نمره گرفتن، آمار و ارقام قبولی درست کردن، کار و وظیفه دیگری ندارند» [ناصری، ۲۷ تیر ۱۳۹۶].

در مقطع کنونی، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی به شدت رواج پیدا کرده است و خانواده‌ها و افراد مختلف هزینه‌های سنگینی صرف خرید کتاب‌های کمک‌درسی می‌کنند. میانگین قیمت کتاب‌های کمک‌درسی در سال ۱۳۹۵ مبلغ ۱۷ هزار تومان بوده است. به نظر شما این وضع، همان منفعت‌طلبی و سودطلبی انتشاراتی‌های چاپ‌کننده این کتاب‌ها را نشان می‌دهد؟ [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶]. در سال ۱۳۹۵، مطابق آمار «خانه کتاب» در کل کشور، ۱۸۰۰ میلیارد تومان کتاب منتشر شده و ۵۷۶ میلیارد تومان آن مربوط به کتاب‌های کمک‌درسی است. یعنی حدود ۳۰ درصد مربوط به همین کتاب‌های کمک‌درسی از بهای کل کتاب‌های منتشر شده است. برخی به آن می‌گویند مافیای کتاب‌های کمک‌درسی [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

دلایلی برای مخالفت

با حضور کتاب‌های کمک‌درسی در مدرسه

اما نگارنده این مقاله با استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدرسه‌ها مخالف است، چون:

● هدف از آموزش و پرورش و حضور دانش‌آموزان در مدرسه، حفظ کردن حجم انبوهی از اطلاعات، و آماده شدن برای آزمون‌های درون و برون وزارت آموزش و پرورش، مانند امتحانات و آزمون مدرسه‌های نمونه دولتی، تیزهوشان و کنکور نیست. آن‌ها قرار است در دوره آموزش عمومی برای زندگی آماده شوند، اما کتاب‌های کمک‌درسی این هدف را به حاشیه رانده‌اند. کتاب‌های کمک‌درسی نقش کتاب‌های درسی در فرایند یاددهی و یادگیری را کم‌رنگ و دستیابی به هدف‌ها را غیرممکن ساخته‌اند.

● برخی معتقدند، کتاب درسی نقص دارد و کتاب آموزشی نیاز است. توجه داشته باشید که آن‌ها به کتاب کمک‌آموزشی اشاره می‌کنند، نه کمک‌درسی. این دو نوع کتاب یک مفهوم ندارند.

● با استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی زمان تعیین شده برای برنامه‌های درسی در مدرسه‌ها کوتاه و مسئله حجم کتاب‌های درسی پدیدار می‌شود. حال آنکه این حجم تا چه حد واقعی و تا چه حد کاذب و ناشی از حضور کتاب‌های کمک‌درسی در کلاس است، به تحلیلی جامع نیاز دارد.

● وقتی میزان اطلاعاتی که به بچه‌ها داده می‌شود زیاد باشد و مغز نتواند آن‌ها را درک و جاسازی کند و جواب بدهد، بچه‌ها سطحی می‌شوند [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

● سال‌های زیادی است که مسئله کوله‌های سنگین دانش‌آموزان (در همه دوره‌های تحصیلی) مطرح است.

به‌خصوص در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان توانمندی کمتری از نظر جسمی دارند. جایی برای اینکه بخشی از این کتاب‌ها را در

مدرسه بگذارند و در مدرسه استفاده کنند نیز ندارند. غالباً این کتاب‌ها را با خودشان می‌برند و می‌آورند و این موضوع سلامت جسمی آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

«خمیدگی و فشار زیاد زیاد به پشت بدن باعث آسیب دیدن بچه‌ها شده است. بخشی از این آسیب‌ها به خاطر حمل کتاب‌های متعدد و بخشی هم به خاطر فقر حرکتی است» [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

● تعداد و حجم سنگین کتاب‌ها و تکلیف‌ها و این همه کمیت، نشان‌دهنده کیفیت نیست. کتاب‌های کمک‌درسی که بیشتر بر تکرار و تمرین متمرکز هستند، مانع رشد تفکر خلاق می‌شوند. حتی تفکر منطقی را نیز با وقفه مواجه می‌سازند. چرا که براساس تکرار و تمرین و شرطی کردن دانش‌آموزان طراحی شده‌اند.

● بسیاری از کتاب‌های کمک‌درسی توسط افراد دارای تخصص کم که با نظریات تعلیم و تربیت آشنایی و سرسوزن ذوقی هم در طراحی آموزشی ندارند، نوشته می‌شوند، اما با استفاده از فنون اقناع در تبلیغات، بازار پررونقی برای خود ایجاد کرده‌اند. اکنون سؤال این است که جامعه به معنای عام آن و جامعه تعلیم و تربیت به معنای خاص، به چه بهانه‌ای چنین بهای سنگینی می‌پردازد؟ پاسخ آن با شما!

منابع

۱. راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: تهران، ۱۳۹۴.
۲. دری، پانته‌ا. (۶ بهمن ۱۳۹۷). «کتاب کمک‌درسی در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین مورد توجه هستند». ارسال شده توسط واحد خبر در: <http://oerp.ir/news/1397/11/8883>
۳. ناصری، یوسف (۲۲ تیر ۱۳۹۶). کتاب‌های کمک‌درسی با دانش‌آموزان چه می‌کند؟/کنکور مانع از آموزش است، گفت‌وگو با فاطمه قاسم‌زاده، متخصص روان‌شناسی کودک، عصر ایران، کد خبر ۵۴۸۴۲۷: <http://www.asriran.com/fa/news/548427>
۴. ناصری، یوسف (۲۷ تیر ۱۳۹۶). بررسی ماجرای کتاب‌های درسی و کمک‌درسی/کتاب کمک‌درسی به خلاقیت دانش‌آموزان کمک نمی‌کند، گفت‌وگو با اقبال قاسمی پویا، متخصص آموزش و پرورش، عصر ایران، کد خبر ۵۴۹۲۲۹: <http://www.asriran.com/fa/news/549229/>





در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بررسی شد:

جایگاه کتاب‌های کمک‌درسی در نظام آموزشی

مورد بررسی قرار گرفت. متأسفانه نتایج تحقیقات نشان داد که این آموزش‌ها حتی کارآمدتر و مؤثرتر از آموزش رسمی مدرسه‌ها هستند و جریان آموزش مدرسه‌ای را به‌سوی خود سوق داده‌اند. آنچه خواندید طرح مسئله «نشست هم‌اندیشی نقد جایگاه کتاب‌های کمک‌درسی در آموزش رسمی با تأکید بر درس علوم و ریاضی» بود که توسط دکتر اشرف‌السادات شکرباغانی، عضو هیئت علمی «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» مطرح شد. این نشست نیمه دوم دی‌ماه با حضور جمعی از استادان و دبیران رشته‌های علوم تجربی و ریاضی، به ریاست دکتر محمد حسینی، رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش برگزار شد. دکتر طاهره اسدی در این نشست با بیان اینکه متأسفانه عده زیادی از معلمان دید مثبتی به کتاب‌های کمک‌درسی دارند، گفت: «بسیاری از معلمان تازه‌کار برای رفع اشکال، طرح سؤال و آماده شدن برای تدریس از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند. برخی معلمان هم معتقدند که کتاب‌های درسی به برخی از مباحث

انتشار کتاب‌های کمک‌درسی در سال‌های اخیر روند فزاینده‌ای داشته است. بازار فروش این کتاب‌ها فقط در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان رسید. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، در سال ۱۳۹۵ خانواده‌های ایرانی با خرید این کتاب‌ها، مبلغ ۵۶۷ میلیارد تومان را روانه جیب ناشران کتاب‌های کمک‌درسی کردند. بهای کل کتاب‌های کمک‌درسی در خرداد ۱۳۹۶ بالغ بر ۱۵ میلیارد و ۸۲۲ میلیون تومان بود. قابل توجه آنکه در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۷ میلیون جلد از کل کتاب‌های منتشر شده در کشور، کتاب کمک‌درسی بود و این آمار در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۳۳ میلیون جلد رسید.

اکنون سؤال اینجاست که چه عواملی در افزایش روزافزون کتاب‌های کمک‌درسی مؤثرند؟ چرا خانواده‌های ایرانی هزینه‌های گزافی را برای خرید این کتاب‌ها متحمل می‌شوند؟ در یکی از تحقیقات انجام شده، تأثیر «آموزش‌های سایه‌ای» که توسط کتاب‌های کمک‌درسی به آموزش رسمی کشور تحمیل می‌شوند،

به‌طور کامل پرداخته‌اند و برای تکمیل درس‌ها به کتاب‌های کمک‌درسی نیاز است.»

وی با اشاره به چرایی استفاده دانش‌آموزان از کتاب‌های کمک‌درسی ادامه داد: «برخی دانش‌آموزان معتقدند که این کتاب‌ها آنان را برای امتحان آماده‌تر می‌کنند، اما به باور من دانش‌آموزان با عادت کردن به کتاب‌های کمک‌درسی، حتی در دانشگاه هم به دنبال این کتاب‌ها هستند و از کتاب‌های درسی فاصله می‌گیرند.»

اسدی مسئله بعدی را انتظار والدین برای استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی دانست و تأکید کرد: «در کنار این انتظارات برخی مدرسه‌ها با مؤسسه‌های آموزشی قرارداد می‌بندند و گاهی با وجود آنکه مدرسه و دانش‌آموزان در سطح این کتاب‌ها نیستند، معلمان مجبور به استفاده از این کتاب‌های کمک‌درسی می‌شوند.»

دور شدن از هدف‌های تدریس علوم

مرتضی محمودوند، دبیر فیزیک هم در ادامه هدف اصلی علوم را ترویج آزمایش و مشاهده عینی جهان پیرامون عنوان کرد و گفت: «کتاب‌های کمک‌درسی با آموزش روش‌های تست‌زنی مانع رسیدن به این هدف می‌شوند. متأسفانه در ارزیابی که از معلمان انجام گرفت، مشاهده شد که بیشتر معلمان علوم دوره ابتدایی و راهنمایی از انجام آزمایش‌های ساده الکتروسیته و مغناطیس عاجزند. از سوی دیگر، در بسیاری موارد کتاب‌های درسی با نگاه به واقعیات موجود نوشته نشده‌اند. مثلاً آزمایش‌های کتاب درسی هنرستان را، به دلیل تحریم تجهیزات آزمایشگاهی و گران بودن آن‌ها نمی‌توان انجام داد و معلم ناگزیر است که مباحث را به‌صورت تئوری آموزش دهد. به همین دلیل به باور من کتاب‌های درسی ما خودآموز و جامع نیستند و گاهی به عمد با نگرش به بازار کتاب‌های کمک‌درسی نوشته می‌شوند. جالب آنکه استفاده از کتاب درسی به اندازه‌ای رواج یافته است که بعضی از معلمان از روز اول کتاب درسی را می‌بندند و به سراغ کتاب کمک درسی می‌روند.

آن‌ها در آزمون‌ها هم نتایج قابل‌قبولی می‌گیرند و به‌عنوان معلم نمونه هم انتخاب می‌شوند!»

محمد حسام قاسمی، دبیر ریاضی هم با اشاره به ریشه‌های معضل کتاب‌های کمک‌درسی گفت: «تضاد هدف‌ها و سیاست‌های آموزشی سبب شده است، کتاب‌های درسی با یک هدف نوشته شوند و آموزش عالی با هدف دیگری دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار دهد. از سوی دیگر تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سبب می‌شوند، ناشران کتاب‌های کمک‌درسی در برخی مناطق تهران و دیگر شهرها سرمایه‌گذاری کنند.»

وی ضعف در حاکمیت قانون را در برخورد با متخلفان از دیگر عوامل مؤثر بر رشد نشر کتاب‌های کمک‌درسی دانست و تصریح کرد: «مجری یک برنامه به اصطلاح آموزشی تلویزیونی، تفاهم‌نامه

همکاری میان دو وزارتخانه آموزش عالی و آموزش و پرورش را در حذف کنکور زیر سؤال می‌برد و خطاب به بچه‌ها می‌گوید: گول این حرف‌ها را نخورید، کنکور حذف نمی‌شود! قانون چه برخوردی با این تخلفات انجام می‌دهد؟»

وی تأکید کرد: «نکته دیگر آنکه تا وقتی دولت به دنبال خصوصی‌سازی آموزش و پرورش است، چگونه می‌توان انتظار داشت که ناشران وارد عرصه رقابت مدرسه‌های غیرانتفاعی با یکدیگر نشوند؟»

قاسمی مسائل مالی و مشکلات معیشتی معلمان را که سبب همکاری آنان در تألیف کتاب‌های کمک‌درسی می‌شود، از دیگر عوامل زمینه‌ای رشد این کتاب‌ها دانست.

مختل شدن جریان آموزش

معصومه عسگری، کارشناس آموزش ابتدایی و مدرس پایه ششم، کتاب‌های کمک‌درسی را عامل ورود استرس به بچه‌ها دانست و گفت: «توجه به رویکردهای کیفی و توصیفی در روش‌های تدریس سبب می‌شود تا اصلاً نیازی به کتاب‌های کمک‌درسی نداشته باشیم. من ترجیح می‌دهم در مباحثی مانند سواد رسانه‌ای و رشد خلاقیت دانش‌آموزان، از کتاب‌های آموزشی مناسب استفاده کنم.»

هدیه منوچهری، دبیر فیزیک، با اشاره به مفهومی‌تر شدن کتاب‌های جدیدالتألیف گفت: «این کتاب‌ها با هدف ایجاد درک بهتری از علم در ذهن دانش‌آموزان نوشته شده‌اند، اما متأسفانه معلمان زمان کافی برای انتقال این مفاهیم در اختیار ندارند. این موضوع سبب می‌شود، معلمان با معرفی کتاب‌های کمک‌درسی برای حل مسائل، بخشی از کمبود زمان را جبران کنند. به اعتقاد من اگر کنکور برداشته شود، فرصت‌های بهتری برای یادگیری کتاب‌های درسی خواهیم داشت.»

از دیدگاه **فاطمه آستانی**، دبیر فیزیک منطقه بهارستان، کتاب‌های کمک‌درسی و سی‌دی‌های آموزشی وابسته به این کتاب‌ها سبب می‌شوند، دانش‌آموزان با استناد به روش‌های آن‌ها با روش‌های آموزشی معلمان خود دچار چالش شوند و جریان آموزش مختل شود.

گم شدن هدف تعلیم و تربیت

گم کردن هدف اصلی آموزش و پرورش نکته‌ای است که **دیانا فردین**، معلم ریاضی و داور جشنواره اخیر کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با اشاره به آن گفت: «اگر هدف از تربیت فقط تحویل دکتر و مهندس به جامعه است، بنابراین گریزی از فعالیت مؤسسه‌های آموزشی و مدرسه‌هایی که به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند، نیست.»

وی ادامه داد: «متأسفانه برخی از کتاب‌های درسی، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی را در کنار خود می‌طلبند. در کنار آن دیکته شدن انعقاد قرارداد با برخی از مؤسسه‌های آموزشی از بالا به برخی از مدیران مدرسه‌ها، دانش‌آموزش را به خرید

محمد حسام

قاسمی: تضاد

هدف‌ها و

سیاست‌های

آموزشی سبب

شده است،

کتاب‌های درسی

با یک هدف

نوشته شوند و

آموزش عالی با

هدف دیگری

دانش‌آموزان را

مورد سنجش

قرار دهد

رشد جوانه
شماره ۶۳
بهار ۱۳۹۸

شیرین
دانشی پور: اگر
معلم روز اول
وارد مدرسه
شود و کتاب
کمک درسی
معرفی نکند،
توانمندی های او
در تدریس زیر
سؤال می رود.
پیش از ورود من
معلم به کلاس
درس، برای
والدین جلسه
می گذارند و به
آن ها می گویند
که قرار است
چه کتاب های
کمک درسی به
بچه ها معرفی
و آن ها در چه
آزمون هایی
شرکت کنند

رشد جوانه
شماره ۶۳
بهار ۱۳۹۸

و استفاده از این کتاب ها و می دارد.»

ساختار ناقص آموزش های دانشگاهی

دکتر زهرا گویا، استاد دانشگاه و ریاضی دان برجسته نیز با هدف قرار دادن ساختار آموزش های دانشگاهی و نقش آن ها در گسترش کتاب های کمک درسی تأکید کرد: «وقتی از نبود زمان کافی برای تدریس محتوای کتاب های درسی صحبت می کنیم، به معنای آن است که برنامه درسی با واقعیات موجود سازگاری ندارد و باید پیش از همه این مشکل برطرف شود.»

این استاد دانشگاه ادامه داد: «از سال ۱۳۹۰ که آموزش ها را به دانشگاه فرهنگیان واگذار کرده ایم، همچنان در حال تجربه کردن هستیم. معلمان مجبور به استفاده از کتاب های کمک درسی هستند، چون متأسفانه سرفصل های کارآمد در دوره های آموزشی، در دانشگاه فرهنگیان تدریس نمی شوند.»

وی عقیده دارد، پیشروی کتاب های کمک درسی به قدری گسترده شده که به نوعی تمامی اضلاع آموزش را درگیر و وامدار خود کرده است.

ضرورت قوی تر شدن معلمان

شیرین دانشی پور، دبیر مدرسه های غیرانتفاعی، با بیان تجربیات زیسته خود، به اجبار معلمان به استفاده از کتاب های کمک درسی در مدرسه اشاره کرد و گفت: «اگر معلم روز اول وارد مدرسه شود و کتاب کمک درسی معرفی نکند، توانمندی های او در تدریس زیر سؤال می رود. پیش از ورود من معلم به کلاس درس، برای والدین جلسه می گذارند و به آن ها می گویند که قرار است چه کتاب های کمک درسی به بچه ها معرفی و آن ها در چه آزمون هایی شرکت کنند! من حتی حق انتخاب کتاب ها را هم ندارم. از نظر من اولین قدم برای مقابله با کتاب های کمک درسی، برخورد با آزمون هایی است که مثل قارچ در مدرسه ها می رویند.»

هوشنگ رشوند، دبیر فیزیک کرج، یکی از دلایل اصلی رشد کتاب های کمک درسی را ضعف معلمان دانست و گفت: «هرچه معلم قوی تر باشد، نقش این کتاب ها کم رنگ تر می شود. ضمن آنکه تا زمانی که کنکور بر کلاس ها سایه افکنده است، شاهد استفاده روزافزون از کتاب های کمک درسی خواهیم بود.»

غزاله علی پور، دبیر فیزیک نیز مانند همکارش بهترین روش مقابله با کتاب های کمک درسی را قوی تر کردن معلمان اعلام کرد و اظهار داشت: «برخی از مؤلفان کتاب های کمک درسی معلمانی قوی هستند که به دلیل نداشتن انگیزه کافی برای کار در آموزش و پرورش، جذب ناشران آموزشی شده اند. متأسفانه، هدف نظام تعلیم و تربیت به ظاهر آموزش است، اما واقعیت این است که نظام آموزشی در جهت کنکور حرکت می کند. ما چگونه از کتاب های کمک درسی انتقاد می کنیم، در حالی که دانش آموزان برای تست زدن ناچار به استفاده از این کتاب ها هستند؟»

به دنبال استانداردها

دکتر فاطمه احمدی، مدرس دانشگاه مهم ترین موضوع را آشنا نبودن مسئولان آموزش و پرورش با تحقیق در زمینه های آموزش علوم خواند و گفت: «متأسفانه در کشور ما پژوهش و تحقیق کردن ارزش واقعی خود را ندارد. محققان نمی توانند آن گونه که مورد انتظار است، جامعه را از نتایج تحقیقات خود مطلع سازند. در حالی که هم اکنون در کشورهایی مانند آمریکا، روی نسل جدیدی از آموزش های علوم کار می شود، چون تحقیق در آنجا دارای ارزش است.»

وی بیان کرد: «در کشورهای پیشرفته استانداردهایی در آموزش تعریف شده اند که معلم و دانش آموز باید به آن ها دست یابند. اما متأسفانه در کشور ما مطالعه ای در مورد استانداردهای آموزش علوم و ریاضی وجود ندارد. از نظر من، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی باید به دنبال این استانداردها باشد.»

احمدی افزود: «ما آموزش های مدرسه ای خوبی داشتیم که حاصل آن امثال مرحوم مریم میرزاخانی (ریاضی دان برجسته دانشگاه استنفورد) است، اما اکنون دچار افت شده ایم. زیرا از مؤلفان قدیم دعوت نمی کنیم تا در کنار مؤلفان جدید در تألیف کتاب ها همکاری کنند.»

او همانند دکتر گویا با اشاره به ضعف موجود در آموزش های پایه و دانشگاهی گفت: «این موضوع باعث ضعف معلمان می شود و به همین دلیل، معلمان به کتاب های کمک درسی رجوع می کنند. درحالی که برای رفع این مشکل به کتاب های درسی قوی نیاز داریم.»

ضعف کتاب های درسی

منیر سادات آب یار، دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک و دبیر دبیرستان، با تشریح آنچه باعث می شود معلمان، والدین و دانش آموزان به سراغ کتاب های کمک درسی بروند، گفت: «کتاب های جدید درسی براساس استانداردهای جدید و شیوه های پروژه محور نوشته شده اند، اما هنوز در مدرسه ها نظام زمان بندی و ارزشیابی مناسب این کتاب ها تعریف نشده است. در نتیجه خلأئی ایجاد می شود که معلمان و والدین سعی دارند با کتاب های کمک درسی آن را پر کنند.»

وی افزود: «نکته دوم آنکه معلمان ما علاقه ای به انجام کارهای پروژه محور و دانشگاهی ندارند و از اساس نمی توانند با کتاب درسی که به این شکل نوشته شده است، ارتباط برقرار کنند.»

مریم اعیان منش، دبیر ریاضی و عضو انجمن معلمان تهران، با اشاره به این واقعیت که بیشتر دانش آموزان از کتاب های کمک درسی استفاده می کنند، گفت: «ریشه این واقعیت به ضعف کتاب های درسی باز می گردد. کتاب های ما فعالیت محور نوشته شده اند، اما زیرساخت های لازم برای تحقق آن ها فراهم نیست.»

وی ادامه داد: «از سوی دیگر، این سؤالات اساسی در ذهن ها ایجاد می شوند که: چگونه مؤلف یک کتاب درسی، نویسنده کتاب کمک درسی همان درس هم می شود؟! چگونه حفره هایی در

کتاب‌های درسی گذاشته شده‌اند که بعد کتاب‌های کمک‌درسی آن‌ها را پر می‌کنند؟! به این سؤال‌ها مسئولان آموزش و پرورش باید پاسخ دهند.»

مجتبی معارف‌وند، دبیر ریاضی، مهم‌ترین ویژگی یک بنگاه اقتصادی را استواری آن بر سازوکار عرضه و تقاضا مطرح کرد و گفت: «در خصوص کتاب‌های کمک‌درسی نقص کار آنجاست که این بنگاه‌های اقتصادی براساس استانداردها فعالیت نمی‌کنند. موضوع دیگر آن است که ما در تألیف کتاب‌های درسی از استادان برجسته و دبیران متبحر استفاده می‌کنیم، اما فرصت لازم را برای تألیف مناسب در اختیار آنان قرار نمی‌دهیم.» این فرهنگی ادامه داد: «واقعیت آن است که در کشور ما مدیریت هزینه‌ها به درستی انجام نمی‌شود. دولت هزینه‌های هنگفتی را برای واردات کاغذ متحمل می‌شود، اما در جایی مانند تألیف کتاب‌های درسی حاضر به پرداخت حق‌التألیف مناسب به مؤلفان شایسته نیست. ضمن آنکه در تألیف کتاب‌ها قادر به انجام کار گروهی نیستیم و به همین دلیل کتاب‌ها دارای پیوستگی لازم نیستند.»

متغیرهای مزاحم اشاعه کتاب‌های استاندارد

فربا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم پس از استماع سخنان استادان و معلمان، در سخنانی با اشاره به سیاست اخیر آموزش و پرورش در منع ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدرسه‌های دوره ابتدایی گفت: «با توجه به این سیاست مقرر شد، به منظور فرهنگ‌سازی و درج در رسانه‌ها، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با درج مقالاتی به آسیب‌های کتاب‌های کمک‌درسی بپردازد. به همین منظور دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به‌عنوان متولی این موضوع از صاحبان قلم دعوت به همکاری می‌کند. تاکنون نیز با درج حدود ۲۰ مقاله در مجلات وابسته، در راستای تنویر افکار عمومی نسبت به آسیب‌های کتاب‌های کمک‌درسی اقدام کرده‌ایم.»

وی با طرح این پرسش که: فی‌نفسه کتاب‌های کمک‌درسی لازم‌اند یا خیر؟ گفت: «کتاب درسی به‌عنوان مجموعه‌ای واحد برای تمامی دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت و برای آموزش در یک ساعت مقرر تعریف شده است. اما با هدف تسهیل و تعمیق یادگیری با توجه به تفاوت‌های فردی، دانش‌آموزان می‌توانند از سایر منابع کمک‌درسی با نظر معلمان استفاده کنند.»

کیا با اشاره به نقش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در معرفی منابع استاندارد تأکید کرد: «سازمان پژوهش از سال ۱۳۷۸ با واکنش نشان دادن نسبت به بازار کتاب‌های کمک‌درسی که هدف‌های تعلیم و تربیت را مخدوش کرده بودند، طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی را مطرح و از همان سال آن را اجرایی کرد. پس از آن در سال ۱۳۸۹ از طریق شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی طی مصوبه ۸۲۸ به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ابلاغ شد.»

وی تأکید کرد: «هدف اصلی سامان‌دهی منابع کمک‌آموزشی و تربیتی و بهره‌گیری از مشارکت بخش غیردولتی در تولید منابع استاندارد بود. ماده ۴ این آیین‌نامه به صراحت اعلام می‌کند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است با مشارکت سایر معاونت‌ها به تولید استانداردهای آموزشی دست بزند. از سال ۱۳۷۸ تا کنون حدود ۱۹ سال است که این سامان‌دهی در حال انجام است و استانداردها تعریف شده‌اند. اکنون سالی پنج هزار عنوان کتاب جدیدالتألیف به دست ما می‌رسد. از مجموع کتاب‌هایی که دریافت می‌کنیم، یک سوم یعنی حدود ۳۰ درصد را کتاب‌های کمک‌درسی تشکیل می‌دهند. سال اول فقط حدود ۱۸ درصد از کتاب‌های کمک‌آموزشی تأیید می‌شدند. حالا با اینکه داوری‌ها سخت‌گیرانه‌تر شده‌اند، میانگین کتاب‌های مناسب ۵۰ درصد است. اما همچنان فقط ۲۷ درصد کتاب‌های کمک‌درسی مناسب هستند. نکته قابل توجه اینجاست: کتاب‌هایی که ما استاندارد معرفی می‌کنیم، چون پاسخ سؤالات درسی را ندارند و هدف اصلی آن‌ها پرورش جنبه پرسش‌گری ذهن بچه‌هاست، مورد استقبال قرار نمی‌گیرند، ولی کتاب‌هایی که ما رد می‌کنیم، طالب دارند.»

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی اظهار داشت: «براساس بررسی‌های ما، در دوره ابتدایی، چون نمره کنار گذاشته شده و نظام ارزشیابی توصیفی است، کتاب‌های مناسب بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. تاکنون ۲۵ هزار عنوان کتاب استاندارد معرفی کرده‌ایم و روند کار به شکلی است که نشان می‌دهد، ناشران ما را پذیرفته‌اند و اقبال دارند که به سمت تولید کتاب‌های استاندارد حرکت کنند.»

وی ادامه داد: «ما چند متغیر مزاحم داریم: یکی بخش تبلیغات صدا و سیماست که در پربیننده‌ترین ساعات، منابع غیر استاندارد را تبلیغ می‌کند. در حالی که براساس مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، صدا و سیما در کنار همه نهادهای فرهنگی دیگر موظف به همکاری با ماست. موضوع دیگر، خلأهای فرهنگی است که باعث فشار اولیه برای استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدارس می‌شود. به همین دلیل معتقدم که باید شیب حرکتمان را به سوی فرهنگ‌سازی تنظیم کنیم.»

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی خطاب به معلمان گفت: «شما معلمانی که در این جمع حضور دارید، همگی از معلمان خبیره و خاص هستید، اما آیا میانگین وزنی تخصص معلمان در مناطق مختلف می‌تواند جواب‌گوی نیازهای ریاضی و علوم همه دانش‌آموزان باشد؟ متأسفانه برخی از معلمان به سبب نداشتن تخصص لازم از منابع کمک‌درسی غیراستاندارد استفاده می‌کنند.»

وی در پایان معلمان را به مراجعه به سایت سامان کتاب و استفاده از راهنماهای تولید کتاب‌های استاندارد دعوت و اعلام کرد که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی همواره درصدد دریافت و استفاده از نظرات معلمان در خصوص منابع معرفی شده است.

کتاب‌های کتاب درسی به‌عنوان مجموعه‌ای واحد

برای تمامی

دانش‌آموزان

با توانایی‌های

متفاوت و برای

آموزش در یک

ساعت مقرر

تعریف شده

است. اما با

هدف تسهیل و

تعمیق یادگیری

با توجه به

تفاوت‌های فردی،

دانش‌آموزان

می‌توانند از سایر

منابع کمک

درسی با نظر

معلمان استفاده

کنند

کلوخ‌های کمک‌درسی و ذهن دانش‌آموز



دکتر حیدر تورانی، عضو هیئت علمی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی می‌گوید در آموزش کودکان و نوجوانان، باید آموزه‌های مهم‌تر و ارزشمندتر، با اصول صحیح، ابتدا در ذهن آن‌ها استقرار یابد، سپس به آموزش‌های کمکی و جنبی رو آورده شود. به باور او عدم رعایت تقدم و تأخر در آموزش‌ها، و نشان دادن کتاب‌های کمک‌درسی، تست و آزمون به جای مفاهیم اصلی کتاب درسی و عادت دادن ذهن دانش‌آموزان به حفظ و پخته‌خواری، به جای خلاقیت و حل مسئله مانع از آموزش صحیح می‌شود. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

کلوخ‌ها به مثابه کتاب‌های درسی و مواد و رسانه‌های آموزشی رسمی، سنگریزه‌ها محتوای تربیتی و پرورشی، ماسه‌ها آموزه‌های مکمل و لیوان آب هم آغوش گرم و پر محبت معلم و نشاط و شادابی کلاس درس است. آشکار است که اگر ما ذهن دانش‌آموز را از ابتدا با آموزه‌های مکمل (محفوظات و دانش و اطلاعات اضافی و به اصطلاح امروزی‌ها با تست و آزمون و مطالب پخته) پر کنیم، دیگر جایی برای خلاقیت، حل مسئله و پویایی نمی‌ماند. یادمان باشد اولاً قرار نیست این ظرف به هر قیمتی و با هر چیزی پر شود و دانش‌آموز ما هر چیزی را در ذهن سراپا آماده یادگیری‌های جدید خویش بریزد؛ ثانیاً بهتر است ابتدا آموزه‌های ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی رسمی، که مبتنی بر فنون و آداب صحیح آموزش و یادگیری است به دانش‌آموز آموخته شود و آن‌گاه اگر در فرایند صحیح آموزش و یادگیری، او نیازی به دیگر آموزه‌ها داشت، با تشخیص معلم و متخصصان موضوعی تعلیم و تربیت، و نه هر نسخه‌پیچ ناآشنا تغذیه شود.

تصور کنید می‌خواهید یک ظرف شیشه‌ای خالی را با چند تکه کلوخ، مقداری سنگریزه و مقداری ماسه نرم پر کنید و سپس یک لیوان آب روی آن بریزید. به‌طور طبیعی ابتدا کلوخ‌ها را در شیشه قرار می‌دهیم، سپس سنگریزه‌ها را در آن می‌ریزیم. با تکان دادن شیشه، سنگریزه‌ها لابه‌لای کلوخ‌ها جای می‌گیرد؛ آن‌گاه ماسه را در ظرف ریخته، شیشه را مجدداً تکان می‌دهیم تا ماسه‌ها فضاهای خالی بین سنگریزه‌ها و کلوخ‌ها را پر کنند. در پایان یک لیوان آب را به آرامی در داخل شیشه می‌ریزیم که آب راهش را از کوچک‌ترین فضاها می‌یابد و آرام در شیشه جای می‌گیرد.

سوال: اگر ابتدا شیشه را با ماسه پر کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ طبعاً دیگر جایی نه برای سنگریزه‌ها، نه برای کلوخ‌ها و نه حتی برای آب می‌ماند.

ذهن دانش‌آموزی شبیه به همان ظرف است که انواع آموزه‌ها، دانش و اطلاعات گوناگون در آن قرار می‌گیرد؛ اما بسیار مهم است که این آموخته‌ها با چه ترتیبی فضای ذهن او را پر کنند.

کتاب‌های کمک‌درسی و ایزوله کردن دانش‌آموزان



دکتر عظیم محبی، سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه معتقد است کتاب‌های کمک‌درسی به دلیل رویکرد خاصی که دارند، برخلاف اصول تعلیم و تربیت و فطرت دانش‌آموز عمل می‌کنند و به جای آزادسازی تفکر، به فکر و اندیشه دانش‌آموز قفل و زنجیر می‌زنند و آن را ایزوله می‌کنند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

در خود تقویت کرده باشد و از ظرفیت خدادادی و خلاقیت خود بهره بگیرد و با مطالعه و پژوهش دریچه‌ای به سوی روشنایی برای خود بگشاید. این فرایند از طریق تعلیم و تربیتی فراهم می‌شود که زمینه فعال‌سازی تفکر را فراهم می‌آورد. اغلب کتاب‌های کمک‌درسی، با این رویکرد هماهنگ نیستند و برخلاف اصول تعلیم و تربیت عمل می‌کنند. به تعبیر بنده به جای آزادسازی تفکر، به فکر و اندیشه دانش‌آموز قفل و زنجیر می‌زنند و آن را ایزوله می‌کنند. لذا معلمان، مدیران مدارس، اولیا و همه مؤسسات آموزشی باید با موضوع تعلیم و تربیت، که با روح و جان دانش‌آموزان ارتباط دارد، رفتاری علمی، عقلی و مسئولانه داشته باشند. باید کمی تأمل کنیم تا تولیدات فرهنگی و عمل ما با اصول تعلیم و تربیت در تضاد نباشند.

خیلی از کتاب‌های کمک‌درسی در عمل، به جای دانش‌آموزان فکر می‌کنند و جواب سؤالات را به شکل حاضر و آماده، در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. این رویکرد آشکارا در تضاد با اصول یادگیری است. بر اساس اصول یادگیری، دانش‌آموز به صورت فطری، پرسشگر است و توانایی حل مسئله را دارد؛ لذا هر کتاب یا موقعیت یادگیری که زمینه تفکر را برای دانش‌آموز فراهم نکند، برخلاف فطرت او عمل کرده است و عملاً زمینه را برای ایزوله فکری او فراهم کرده است. در این صورت، به جای فعال‌سازی فکر و شکوفایی فطریات، از او می‌خواهیم فکر نکنند. دانش‌آموز با جواب‌های آماده و برگزاری آزمون چیزی یاد نمی‌گیرد؛ شاید جواب‌ها را حفظ کند و در آزمون‌ها هم موفق باشد؛ اما این موفقیت نشانه یادگیری عمیق و ماندگار نیست. دانش‌آموز زمانی می‌تواند آینده علمی خود را بسازد که از دوران کودکی به دنبال فهم و کشف مفاهیم بوده، مهارت حل مسئله را

فدا شدن اهداف فرایندی در کتاب‌های کمک‌درسی



شهرناز بخشعلی‌زاده که یکی از کارشناسان باسابقه آموزش ریاضی و کارشناس آزمون‌های تیمز در کشور است، مهم‌ترین اشکال کتاب‌های کمک‌درسی را غفلت از اهداف فرایندی می‌داند. این غفلت به معنی بی‌توجهی به استدلال، تفکر منطقی، تفکر نظام‌مند و مانند این است. دانش‌آموزان با این روش چیزی یاد نمی‌گیرند؛ چون از حل سریع مسئله لذت می‌برند و دیگر به دنبال درک مفهوم نمی‌روند. در نتیجه از هدف یادگیری دور می‌شوند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

اهداف فرایندی معمولاً در کتاب‌های کمک‌درسی مغفول می‌مانند. همگام نبودن کتاب‌های کمک‌درسی با نظام، سیاست‌ها و اهداف آموزش و پرورش و بسنده کردن به تمرین‌های کتاب درسی و «آموزش خلاصه‌ای» در این کتاب‌ها، دانش‌آموز را از کتاب درسی دور می‌کنند. وقتی اعتماد و وابستگی دانش‌آموز به کتاب درسی، در نظام آموزشی سلب شود، کم‌کم یک فاجعه آموزشی رخ می‌دهد. وقتی دانش‌آموز سؤالی را در دفترچه خود می‌نویسد، همین نوشته، تصویر ذهنی ایجاد می‌کند و قدمی کوچک و کوتاه در مسیر یادگیری است و دفتر تمرین این فرصت را از دانش‌آموز می‌گیرد.

کمک‌درسی مغفول مانده‌اند. درس‌نامه می‌تواند در کتاب کار جایگاه داشته باشد، ولی نباید به‌طور مستقیم، کلیدواژه‌ای و کلیشه‌ای درس را بیان کند. نباید به دانش‌آموز کد داده شود که دانش‌آموز همان لحظه مسئله را حل کند، ولی بعد آن را فراموش کند. دانش‌آموزان با این روش چیزی یاد نمی‌گیرند؛ چون از حل سریع مسئله لذت می‌برند و دیگر به دنبال درک مفهوم نمی‌روند. در نتیجه از هدف یادگیری دور می‌شوند.

هدف اصلی آموزش این است که انتقال مستقیم نباشد و فرصتی باشد که دانش‌آموز خودش به راه حل برسد. بعضی از کتاب‌های کمک‌درسی در دانش‌آموزان بدفهمی ایجاد می‌کنند.

موضوع دیگر بحث روش است. ضرورت دارد کتاب با اهداف برنامه هم‌راستا باشد. اکثر کتاب‌های کمک‌درسی با اهداف فرایندی هم‌خوانی ندارند. اهداف فرایندی (یعنی استدلال کردن، تفکر منطقی، تفکر نظام‌مند و غیره) در بسیاری از کتاب‌های

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۵، ص ۲۸ و ۲۹

ویژگی‌های کتاب‌های کمک‌درسی بد



به تدریج ذائقه دانش‌آموزان را تغییر می‌دهند؛ تلاش و کوشش برای یادگرفتن عمیق را کم‌رنگ می‌کنند و لذت یادگیری و تفکر را از فرد می‌گیرند و در نتیجه از علاقه‌مندی آن‌ها به آموختن می‌کاهند.

آن‌ها معمولاً از شیوه‌های نو و تازه کمتر کمک می‌گیرند. بیشتر از موضوعات تکراری استفاده می‌کنند و کمتر به سراغ دانش‌های جدید می‌روند.

به لحاظ علمی نیز دچار ضعف و سستی هستند.

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۴، ص ۲۲

دکتر محمود امانی مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، علاوه بر جایگاه حقوقی خود، در نزد کارشناسان از جایگاه علمی بالا و معتبری برخوردار است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود، به ویژگی کتاب‌های کمک‌درسی می‌پردازد. به گفته او اغلب آن‌ها جریان یادگیری را مختل و عمق یادگیری را کم می‌کنند و لذت یادگیری و تفکر را از فرد می‌گیرند و در نتیجه از علاقه‌مندی او به آموختن می‌کاهند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

یادگیری صوری، پرسش و پاسخ و آزمون‌مداری کتاب‌های کمک‌درسی جریان یادگیری را مختل می‌کنند و سطح یادگیری را به پرسش و پاسخ‌های سطحی، حفظی و کم ارزش تنزل می‌دهند و بازار را به سمتی که نباید می‌برند. این کتاب‌ها

یادگیری طوطی‌وار ماندگار نیست



عمل خود را در نیافته است. می‌توان گفت یادگیری طوطی‌وار ماندگار نیست!

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۴، ص ۹

کتاب‌های کمک‌درسی معمولاً آموزش رویه‌ای دارند و با تکرار و تمرین بیش از حد و بدون بیان مفهوم، دانش‌آموز را به حل تمرین هدایت می‌کنند. بنابراین اگر جریان آموزش قطع شود، او دیگر قادر به حل مسئله خود نخواهد بود؛ چون مفهوم و دلیل

با نان و واژه زنده‌ایم



مرجان فولادوند نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان، بر این باور است که اگر کودکان ما مطالعه نکنند، عمر و فرصتشان برای کشف و شناخت جهان و فهم پیچیدگی‌های آن هدر می‌رود و قدرت تحلیل و نقش‌آفرینی را از دست می‌دهند. او می‌گوید حتی اگر کتاب‌های کمک‌درسی حقیقتاً بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا تمام سطوح یادگیری را از پایین‌ترین بخش تا بالاترین طبقه، به‌درستی طی کنند، اگر از مطالعه آزاد محروم باشند، از مهم‌ترین امکان برای وسعت و عمق بخشیدن به درک زندگی و مناسبات آن محروم مانده‌اند.

مهم نیست که این عنوان کمی شاعرانه و کمی اغراق‌آمیز به نظر برسد، زیرا به شکل حیرت‌آوری راست است! نان ما را زنده نگه می‌دارد، اما این کلماتند که عمق زندگی ما را، وسعت مرزهای روانی ما را حد می‌زنند. جهان در فقدان کلمات مجموعه‌ای از رویدادها، اجسام و احساسات در هم گوریده گنگ است و آدمیزاد تنها با واژه‌هایی که در اختیار دارد می‌تواند از آن روایتی معنا دار بسازد. اگر کلماتی اندک در اختیار داشته باشد، روایتش از جهان ساده، سطحی و یک‌سویه خواهد بود. ناتوان از درک پیچیدگی‌های موجود، مجبور به تن دادن به مناسبات روایت‌های کلان‌تر و غنی‌تر خواهد شد، بی‌آنکه خود در آفرینش آن نقشی ایفا کند یا دست کم قادر به درک آن باشد. روایت‌های مهم، کلان، اثرگذار و پیچیده، نیاز به دایره وسیعی از واژگان دارند. شناخت جهان بر مبنای فلسفه، جامعه‌شناسی، شناخت روان انسان، سیاست، ارتباط، فهم عمیق حقوق و وظایف، تنها با کلمات روزمره مقدور نمی‌شود. از این روست که ما برای درک درست و دقیق جهانی که در آنیم نیازمند دایره وسیعی از کلماتیم. واژگانی که در مناسبات روزمره نه به کار می‌روند و نه آموخته می‌شوند؛ این کلمات در متن‌ها نفس می‌کشند؛ متن‌هایی که باید جایی جز کتاب‌های درسی سراغشان را گرفت. چنین است که متوقف و محدود کردن کودکان و نوجوانان در کتاب‌های درسی، مشغول کردن آن‌ها با هزار باره خواندن یک مطلب از کتاب‌های کمک‌درسی رنگارنگ، در واقع محروم کردن آن‌ها از امر حیاتی کشف کلمات و وارد شدن به ساحت فهم جهان است. حتی اگر کتاب‌های کمک‌درسی حقیقتاً می‌توانستند به دانش‌آموزان کمک کنند تا تمام سطوح یادگیری در هرم شناختی «بنجامین بلوم» را از پایین‌ترین بخش آن که به یاد سپردن است تا «خلاقیت» که بالاترین طبقه است، به‌درستی طی کنند، باز هم با گرفتن بخش عمده‌ای از زمان و فرصتشان، آن‌ها را از امکان پرداختن به مطالعه آزاد و تجربه فضاهای دیگر محروم می‌کنند. مطالعه آزاد و مشاهده و تجربه، مبنای یادگیری واژگان و فهم پیچیدگی‌های جهان معاصر از طریق تحلیل، و در واقع مهم‌ترین راه برای وسعت و عمق بخشیدن به درک زندگی و مناسبات آن است.

هر چند کنکور با ملاک قرار دادن نازل‌ترین سطح یادگیری یعنی «به یاد سپردن»، همچنان کودکان و نوجوانان را مجبور می‌کند تا در همین سطح درجا بزنند، اما کتاب‌های کمک‌درسی برای سودبری بیشتر هردم به نوعی بر این آتش می‌دمند؛ چنان‌که گویی موفقیت هیچ گذرگاهی جز گردنه آنان ندارد. در این میان نقش تبلیغات رادیو و تلویزیون را هم نباید نادیده گرفت. گردش اقتصادی ترویج کتاب‌های کمک‌درسی چنان چشمگیر است که تلویزیون علی‌رغم هشدار کارشناسان آموزش نمی‌تواند بر سود سرشار تبلیغ آن چشم بپوشد. در این میان آنچه قربانی می‌شود، عمر و فرصت کودکان و نوجوانان برای کشف و شناخت جهان و کسب قدرت تحلیل به یاری مطالعه است. کنکور که در طول سالیان به شکل تهدید درآمده است و هجوم کتاب‌های کمک‌درسی چنان عرصه را بر بچه‌ها تنگ کرده‌اند که خواندن کتاب و به‌خصوص داستان امری تجملی شده است! آن قدر داستان از آن‌ها دریغ شده است که فراموشش کرده‌اند؛ یاد گرفته‌اند از پس این قحط طولانی، گرسنگیشان را با سریال‌های آخر شب تلویزیون فرو بنشانند. بچه‌ها داستان‌ها را فراموش کردند و معنای هر دم نو و تازه آن‌ها از جهان را. اما این گرسنگی پنهان، تن‌تناور فرهنگی را که در همه قرن‌های سخت‌اشغال و سیطره زبان بیگانه و جنگ و ظلم و فقر زنده مانده بود، چنان نحیف کرده که آن دریاها به هم پیوسته متن‌ها و قصه‌ها و مثنوی‌ها و شاهنامه‌ها به چند مجله کم تیراژ و چند کتاب کم خواننده و نشرهای کم‌جان همیشه در تهدید تعطیل محدود شده است. برای رهایی از این ضعف، برای فهم زبان تازه جهان، برای گفت‌وگو با زمانه‌ای که در آنیم، بیش از دوره کردن هزار باره مفاد درسی در بی‌شمار کتاب‌های کمک‌درسی، نیازمند کلماتیم. نیازمند خواندن کتاب‌های تازه و نفس کشیدن در هواهای متفاوت، و گرنه دایره‌المعارف‌های علمی منسوخ خواهد بود که در برابر دنیایی زیان‌آور، گنگ و دست‌بسته خواهیم ماند و کارگران حیرت زده فرهنگ‌هایی خواهیم شد که قدرت کلمات را می‌شناسند و می‌دانند چگونه می‌توان با روایت‌های تازه دنیا را از نو ساخت.

کتاب‌های کمک‌درسی، آموزش تزریقی و سطحی



ناصر نادری، نویسنده کتاب‌های کودکان و نوجوانان

ناصر نادری، نویسنده سرشناس کودکان و نوجوانان بر این باور است که کتاب‌های کمک‌درسی، چون قارچ‌های رنگ‌به‌رنگ مسموم، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند. به باور او عوامل زیادی مانند تبلیغات سودجویان، راحت‌طلبی دانش‌آموزان و برخی معلمان در این کار دخالت دارند و مدیران ارشد تعلیم و تربیت باید بین دو فضا دست به انتخاب بزنند و تصمیمی تاریخی بگیرند: یا میدان را به نفع سودجویان حوزه نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی آن‌ها خالی کنند یا به جد در پی آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه برآیند. یادداشت او را بخوانید.

تردید ندارم که نشر کتاب‌های آموزشی مفید با رعایت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و با هدف تسهیل، تعمیق و توسعه مفاهیم آموزشی و ایجاد خلاقیت ذهنی و تقویت تفکر نقاد در مخاطبان، نه تنها ایرادی ندارد که مکمل فرایند یادگیری - یاددهی است. اما آنچه که همچون سم خودنمایی می‌کند، حضور کتاب‌های کمک‌درسی با رویکرد حافظه‌مداری و آموزش تزریقی و سطحی، بدون خلاقیت و نوآوری و روحیه جست‌وجوگری و کار گروهی در مدارس است.

متأسفانه به دلایل گوناگون (همچون تبلیغات وسیع ناشران تاجرمآب و کم‌سواد از طریق رسانه ملی و بیلبوردهای تبلیغی شهر، راحت‌طلبی برخی معلمان و منفعت‌جویی برخی مدیران، وجود ابهام در برخی مفاهیم مندرج در کتاب‌های درسی، جلوه‌گری تابوگونه کنکور در ذهن برخی پدران و مادران، طمع‌ورزی برخی آموزشگاه‌ها و مدرسان تاجرمآب آنان و...) قارچ‌های مسموم کتاب‌های کمک‌درسی، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند.

امروز مدیران ارشد کشور ما باید تصمیمی تاریخی بگیرند: انتخاب بین «حضور پررنگ و مستمر طمع‌ورزان جریان نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی منفعت‌طلبان» و «جریان آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه» که البته باید همراه با اصلاح پاره‌ای رویه‌ها و رویکردها و شیوه‌ها در درون آموزش و پرورش و رسانه ملی و مدیران فهیم نشر آموزشی باشد.

امید است که بتوانیم نسل امروز کودک و نوجوان و جوان را از حرکت وهم‌گونه در کانال تنگ آموزش حافظه‌مدار و تزریقی وابسته به کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد باز داریم.

دنایای کودکی و نوجوانی و جوانی یعنی نشاط و بازیگوشی، جست‌وجوگری و پرسشگری، خلاقیت و نوآوری، خیال‌پردازی و امیدآفرینی و...

به راستی این همه عناصر رنگارنگ و هویت‌بخش در فضای ذهنی و روانی و حرکتی کودکان و نوجوانان و جوانان امروز جامعه ما دیده می‌شود؟ آیا محیط‌های یادگیری مدارس و الگوی رفتاری معلمان و مدیران، بسستر توسعه و ترویج این عناصر را فراهم می‌سازند؟ آیا دغدغه‌های عمیق پدران و مادران و جنس مطالبه‌های آنان این مسائل است؟ آیا رسانه‌های تأثیرگذار همچون رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی، رونق‌بخش چنین اموری‌اند؟ آیا جریان جدی نشر کتاب‌های آموزشی، جهت‌گیری خود را با این شاخص‌های استاندارد کیفیت‌بخش زندگی سالم همسان‌سازی کرده است؟

واقعیت تلخ این است که همه این مؤلفه‌های تأثیرگذار در شرایط امروز، بایستی مورد نقد جدی و کندوکاو جسورانه قرار گیرند. احساس من این است که همه نهادهای مرتبط با فرایند یادگیری و آموزش، به‌نحوی ناآگاهانه یا آگاهانه در مسیر اضمحلال عناصر هویت‌بخش و سالم روانی و ذهنی و حرکتی نسل کودک و نوجوان و جوان امروز قرار گرفته‌اند و برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب، قطعاً با نگاه درمانگرآبانه به درون است؛ «تو خود حجاب خودی حافظ، از میان برخیز!»

در این یادداشت، دغدغه نویسنده، نقد همه این مؤلفه‌ها نیست؛ چون تحلیل همه آن‌ها، پژوهش وسیع‌تری را می‌طلبد. من در اینجا، فقط به عنصر «نشر کتاب‌های کمک‌درسی» و تأثیر آن در فرایند کیفیت‌بخشی به آموزش و پرورش می‌پردازم.

یار مهربان جا ندارد!



کازم طلائی گرافیسیت کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او به اقتضای شغلش، دغدغه خانه‌های بدون طاقچه‌ای را دارد که یک روز جای کتاب بودند و اینک از نقشه خانه‌ها حذف شده‌اند و دغدغه کتاب‌هایی را دارد که اکنون جای مناسبی در خانه‌ها ندارند و حداکثر در قفسه‌ای کوچک جا می‌گیرند؛ اما همین قفسه کوچک هم به اشغال کتاب‌هایی درآمده است که هنر مهمی جز اتلاف عمر کودکان ما و گرفتن خوشی آن‌ها ندارند و علی‌رغم حجم زیادشان، درس مهمی که در زندگی به کار بیاید، به آن‌ها نمی‌آموزند.

به زور برای خود جا باز کرده‌اند و فقط تنفر از این یار مهربان را در جان‌ها نهادینه می‌کنند.

اینکه گفته می‌شود، کتاب زندگی کردن را به بچه‌ها آموزش می‌دهد، کتاب یار مهربان همیشگی است، کتاب تجربه‌ها را با صداقت بازمی‌گوید، کتاب گنجینه‌ها و ژگان کودکان ما را افزایش می‌دهد و کتاب بچه‌های ما را از آسیب‌های فراوان پیش‌رویشان در جامعه محافظت می‌کند، درباره کتاب‌هایی است که در اتاق‌های کودکان ما جایی ندارند.

در گذشته با ادبیات شفاهی خیلی از مفاهیم بنیادین انسانی در پای کرسی‌ها و جمع‌های خانوادگی با روایت داستان‌ها و اشعار بزرگان این مرزوبوم بازخوانی می‌شد و همگان با شادابی و کسب تجربه روایت‌ها را، مونس و انیس خود می‌یافتند. حالا باید چگونه تیک زدن را به بچه‌ها یاد بدهیم. یاد بدهیم در زمانی کوتاه تیک‌های بیشتری بزنند. آینده آن‌ها وابستگی عمیقی به این تیک‌ها پیدا کرده است. مهم نیست که چگونه تیک‌تیک ساعت به صدا درمی‌آید و از آن‌ها زمان می‌گیرد، باید با کمترین تیک‌تیک، تیک‌های بیشتری بزنند. ناخواسته به این باور رسیده‌ایم که بچه‌های ما با این تیک‌ها، آینده درخشانی خواهند داشت. شک نباید داشت که رشته پردرآمدی را تیک می‌زنند و خوشبختی در انتظار آن‌هاست!

بچه‌های ما به اندازه کافی کوشیده‌اند و دوران خوش کودکی، نوجوانی و جوانی خود را فدای این تیک‌ها کرده‌اند. صد حیف که در آغاز زندگی خود، آزمون‌هایی را در مقابل خود خواهند دید که هیچ‌گاه در خیل تست‌های بی‌شماری که تیک زده‌اند، نشانی از آن‌ها ندیده‌اند و دریغاً از این کتاب‌های فراوانی که می‌خوانند که هیچ‌یک گره‌ای از گره‌های آن‌ها را نخواهند گشود.

خانه‌های قدیمی خراب می‌شوند و جایشان را آپارتمان‌های کوچک می‌گیرند. آپارتمان‌ها هم به فراخور متقاضیان کوچک و کوچک‌تر می‌شوند. قدیمی‌ها به یاد دارند؛ گج‌برهای باسلیقه همیشه یک دکور آجری برای هر اتاق در نظر می‌گرفتند که به جای قفسه کتاب هم استفاده می‌شد. هر چند کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای قفسه‌هایی علاوه بر آن هم برای خود داشتند. چاره‌ای نیست؛ جا کم است و ورود هر کتابی به خانه برای جاخوش کردن، اما و اگرهای فراوانی دارد. البته که باید جایی برای کتاب در نظر گرفت؛ هم برای کلاس خانه، هم برای دکور و صد البته کتاب‌هایی که باید خوانده شوند. اعضای خانواده هر یک در این قفسه هم سهمی دارند.

همه می‌دانیم که کتاب‌های درسی ما از نظر محتوا و حجم در دنیا زبان‌زد هستند. شاید به همین خاطر هم هست که بچه‌های ما در المپیادهای مختلف همیشه خوش می‌درخشند. حالا با این جای کم، در صداوسیما به صورت مستمر کتاب‌هایی به بچه‌های ما تحمیل می‌شود که راه‌گریزی از آن‌ها نداریم. به مخاطب این‌گونه القا می‌شود که این کتاب‌ها ضمن اینکه مورد تأیید نهادهای آموزشی کشورند، در آموزش و ارتقای سواد بچه‌ها بسیار اثرگذار هستند. آموزگاران نیز بچه‌ها را مجاب می‌کنند که در کنار کتاب‌های درسی، چند کتاب کمک‌درسی نیز تهیه کنند که موفقیت بچه‌ها در آزمون‌های پیش‌روی، منوط به خواندن این کتاب‌هاست.

به همین سادگی فضای کم کتابخانه هم پر می‌شود، بدون اینکه با رغبت و رضایتی از طرف بچه‌ها توأم باشد. دیگر کتاب‌خوانی عاری از لذت می‌شود و کتاب دوست خوبی برای بچه‌ها نخواهد بود. چرا که به اجبار وارد حریم خانه شده‌اند و با چهره عبوسشان

از اول دچار اضطراب شدن

تکلیف ما با کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی چیست؟



اول

اگر در پایگاه‌های خبری درباره کتاب‌های کمک‌آموزشی یا کمک‌درسی جست‌وجو کنید، بیشتر با نام چند ناشر و کتاب‌های انتشارات فلان و فلان روبه‌رو خواهید شد. و اگر به روال امروزی، اختصار الفبایی را در معرفی بی‌طرفانه به یاری بطلبید، «گ»، «ک ق»، «خ س» و دیگر حرف‌ها به نمایندگی از نام‌ها به کمک شما می‌آیند.

تا بهترین و قوی‌ترین کتاب کنکور، تست یا قبولی تضمینی را ببینید. حال با توجه به نیاز شما، فشار تبلیغات و این همه کتاب خاص برای خرید، ته جیب یا کارت بانکی شما چقدر پول باقی مانده است؟ ظریفی می‌گفت: «هیچ به دست نیاوردم به جز اضطراب!»

دوم

سری به کتابخانه‌ها بزنیم!

مقدار و سیر مطالعه در کتابخانه‌ها در میان جوانان و نوجوانان چندان رضایت‌بخش نمی‌نماید. کنکور و درس‌های کلاسی بخش اعظم توان و وقت دانش‌آموزان را به خود اختصاص داده است. و حید دانش‌آموزی است که مشغول مطالعه برای کنکور است. او به محض اینکه می‌فهمد گفت‌وگویی درباره کتاب‌های آموزشی در جریان است، پیش می‌آید و سکوت سالن مطالعه را می‌شکند. او می‌پرسد: «آقا کتاب خوب تست را از کدام ناشر بخریم؟» لحن او گویا طنزآمیز است، اما جدیت و خستگی مرموزی در پس آن نهفته است.

از یکی دیگر از نوجوانان می‌خواهم که بگوید منابع او برای مطالعه چیست؟ کتاب درسی یا ...؟ جواب می‌دهد: «برای آمادگی کنکور، کتاب درسی بخشی از برنامه من است. برخلاف اینکه می‌گویند کتاب درسی را بخوانید؛ ما باید آمادگی خود را با مطالعه کتاب‌های کمکی بیشتر کنیم. تست بزنیم و در آزمون‌های مشابه شرکت کنیم. چون سازمان سنجش به‌طور مرتب منابع سؤالات را تغییر می‌دهد و ما هم باید به‌روز شویم.»

می‌پرسم: «مثلاً برای درس عربی و یا زیست‌شناسی چه می‌خوانید؟»

جواب می‌دهد: «کتاب عربی جامع نشر م. خ. س هم مورد خوبی است...»

نوجوانی که نامش را نمی‌گویم، نظرش را چنین پرسشگرانه بیان می‌کند: «فقط بگویند چطور درس بخوانیم تا از این سد بگذریم؟» از این گونه سؤالات به شکل رگباری می‌آیند و من ترجیح می‌دهم محیط آرام کتابخانه را بیش از این ملتتهب نکنم.

سوم

باز سراغ فضای مجازی می‌روم. عادل پرسیده است: «دروود. دیپلم گرفته‌ام. الان بعد از سه سال می‌خواهم کنکور بدهم. برای رشته تجربی چه کتاب‌هایی بخوانم؟» و من می‌بینم هنوز در اول راهیم!

تبلیغات ناشر چه می‌گویند؟

برای نمونه از درس ریاضی شروع می‌کنیم. در یکی از سایت‌ها آمده است: «آمار بلندبالای درصدهای پایین و حتی صفر یا منفی در کنکور برای درس ریاضی نشان می‌دهد، یکی از چالش‌های کنکورهای تجربی کنار آمدن با درسی مانند ریاضی است. اگر رشته‌های برتر تجربی مانند پزشکی را دوست دارید، با بررسی منابع موجود، منبع ایده‌آل در ریاضی را به شما می‌دهیم. این کتاب شما را تا مرز ۷۰ درصدی آمادگی می‌رساند. تست‌های این کتاب و پاسخ‌نامه فوق‌العاده تشریحی که نشان می‌دهد برای هر سؤال چه اندازه کار صورت گرفته است.»

چهارم

پایان سخن

از جمله حقوق افراد حق آموزش و پرورش است، اما رقابت درسی مشکلات بسیاری از جمله فشار روانی و چشم و هم‌چشمی را در میان آن‌ها ایجاد می‌کند. صرف‌نظر از قبولی در امتحانات داخلی، بسیاری از دانش‌آموزان برای عبور از سد کنکور تلاش می‌کنند. در این فرایند چاره‌ای برای دانش‌آموز نمی‌ماند مگر اینکه به سراغ کتاب‌های کمکی برود. و این چرخه ادامه دارد.

اما چه کسی این گردونه را می‌چرخاند؟ روشن است که همه به دنبال منفعت یا دور کردن ضرری هستند. ناشر اسم و رسم می‌خواهد و سهمی بزرگ از بازار را. دانش‌آموز عنوان می‌خواهد و در نهایت رسیدن به امنیت شغلی. خانواده نیز اهدافی دارد.

اما جایگاه و نقش دستگاه تعلیم و تربیت در این کنش و واکنش چیست؟ آیا برتری با روش‌های آموزشی یا منابعی است که مبتنی بر حافظه‌اند و نه براساس روش‌های خلاق و مهارت؟

مادر، پدر، ناشر، نظام آموزشی و پرورشی؛ با شما می‌هم! هر انسانی استعداد و توانمندی‌های متفاوت هوشی و جسمی دارد. به این تفاوت‌ها توجه کنیم.

اضطراب، محصولی است که از افتادن در گرداب رقابت حاصل می‌شود.

کوله‌پشتی‌های پر از هیچ



سعید بدیعی، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، به عنوان یک پدر، نگران فرزند خود و همه کودکان و نوجوانانی است که کوله‌های پر از کتاب‌های کمک‌درسی را هر روز و هر روز، به دوش می‌کشند بدون آنکه بهره‌ای لازم را از آن‌ها ببرند. کتاب‌هایی که اغلب مطالب را از روی کتاب درسی یا از روی هم رونویسی می‌کنند و با روش‌های کهنه‌ای مانند پرسش - پاسخ و بدون تازگی یا خلاقیتی چندباره و چند باره به دانش‌آموزان تحویل می‌دهند.

که بر سر فرزندان ما و طبیعت می‌آید، بیش از این است. اگر با یک حساب ساده سرانگشتی، کتاب‌های کمک‌درسی تولید شده را، که اغلب آن‌ها شبیه به هم هستند و بیشترشان چیزی به داشته‌های دانش‌آموز اضافه نمی‌کنند، حساب کنیم، درمی‌یابیم که چه آسیبی به طبیعت وارد می‌کنیم.

آمار واردات کاغذ در کشور ما چندین برابر کشورهای دیگر است، اما آمار مطالعه در کشور، نشان‌دهنده میزان پایین سرانه مطالعه است؛ پس نتیجه می‌گیریم که آمار بالای چاپ کتاب‌های کمک‌درسی، فقط منجر به پر کردن جیب سودجویان و فرصت‌طلبانی می‌شود که خرج تبلیغات رسانه‌ای هر کدام از آن‌ها در سال به ده‌ها میلیارد تومان بالغ می‌شود.

مشکل کجاست؟ کنکور، کتاب‌های درسی، معلمان، والدین یا دانش‌آموزان؟

به نظر می‌رسد همه مقصریم و به قول سهراب چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید.

چندسالی است وقتی به فرزندم و دیگر هم‌مدرسه‌ای‌هایش نگاه می‌کنم، به خاطر آنچه که بر سر آن‌ها آورده‌ایم، دلم می‌سوزد. هر روز صبح بچه‌هایی را در سرویس‌ها، اتوبوس‌ها و مترو می‌بینم که با دشواری کوله‌های پر و سنگینی را که ما بر دوششان گذاشته‌ایم، و می‌پنداریم IQ یا EQ و... آن‌ها را افزایش خواهیم داد، بر دوش می‌کشند.

بخشی از فضای کوله‌ها را کتاب‌های درسی و دفترهای مربوط و مقداری خوراکی گرفته است، اما حجم زیادی از آن هم در اشغال انواع کتاب‌های کمک‌درسی است؛ کتاب‌هایی که اگر به لحاظ حجم و وزن چند برابر کتاب‌های درسی نباشند، لاقط به لحاظ قیمت چندین برابر آن‌ها قیمت دارند. به لحاظ محتوا هم نه تنها اثربخشی مطلوبی ندارند، باعث خستگی و دلزدگی دانش‌آموز و از بین بردن خلاقیت و دیگر توانایی‌های خدادادی او می‌شوند.

این بلایی است که بر سر دانش‌آموزانمان می‌آوریم؛ اما بلایی

کتاب کمک‌درسی، رحمت یا عذاب



سید کمال شهابلو، معاون مجلات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دغدغهٔ کودکان و نوجوانانی را دارد که با کتاب‌هایی مملو از سوال‌های پیچیده به همراه پاسخ رو به رو هستند و این کتاب‌ها استرس، حافظهٔ محوری و عدم توجه به تفکر و خلاقیت را برای دانش‌آموزان به ارمغان آورده‌اند.

این کتاب‌ها با اضافه کردن تمرینات سخت و پیچیده، نگرانی دانش‌آموزان را نسبت به درسی که می‌خوانند، بیشتر می‌کنند و این احساس را در آن‌ها دامن می‌زند که لازم است حتماً این کتاب‌ها را تهیه کنند و اگر نکنند حتماً از دیگران عقب می‌مانند. مشکل بعدی رویکرد حافظه‌محوری اغلب این کتاب‌هاست. بیشتر آن‌ها دانش‌آموزان را به پخته‌خواری عادت می‌دهند. بچه‌ها با نشان کردن بعضی از کلمه‌ها یا علامت‌هایی خاص در سؤالات، گزینه درست را انتخاب می‌کنند. مطالعه و یادگیری برای آن‌ها به یک صفحه شطرنج تبدیل می‌شود که استرس را در روح و روان آن‌ها نهادینه می‌کند. طرح مسائل به‌صورت مستقیم و اصرار به این‌گونه یادگیری، زمان هضم مطلب را از آن‌ها می‌گیرد و حتی در حل مسائل مشابه نیز دچار مشکل می‌شوند. عدم توجه به مسائل تربیتی بچه‌ها در این دسته از کتاب‌ها، دانش‌آموز را به ماشینی تبدیل می‌کند که در حل هر مسئله‌ای، کمترین خلاقیت را به خرج می‌دهد. در یک جمله می‌توان گفت: این کتاب‌ها به جای اینکه تشنگی در یادگیری را القا کنند، می‌خواهند دانش‌آموزان را سیراب کنند یا در واقع احساس سیرابی به او بدهند. دوست دارم دخترم را متوجه این آسیب‌ها کنم. نمی‌دانم؛ آیا او عطایشان را به لقایشان می‌بخشد؟

این روزها ذهنم مشغول است که چرا فرزندم مثل گذشته اهل تفکر نیست؟

وقتی چیزی از او می‌پرسی بدون تأمل کافی پاسخ می‌دهد و وقتی پرسشی دارد زود پاسخ می‌خواهد؛ بی‌حوصله است؛ استرس بیش از حد دارد؛ دیگر کتاب داستان نمی‌خواند و به مسئله‌ها فکر نمی‌کند. و آنچه به نگرانی‌ام افزوده، کتاب‌های پر حجمی است که همواره آن‌ها را می‌خواند و دائم در حال تطبیق خواننده‌هایش با کتاب درسی است و به‌نظم مدتی است که حتی کتاب‌های درسی‌اش به حاشیه رفته‌اند.

یک بار از خودش پرسیدم: «چرا کتاب کمک‌درسی می‌خونی؟» گفت: «بهم کمک می‌کنه تا زودتر راه حل رو پیدا کنم.» به تعبیر خودش آن‌ها «راحت‌الحلقوم» اند. می‌گوید: «خودت معلمی؛ بهتر می‌دونی که در کنکور زمان مطرح است و پاسخ‌های صحیح بیشتر. در کنکور نمی‌پرسند که چقدر فکر کردی... تفکر که هدف نیست.»

ظاهراً او لذت مطالعهٔ کتاب‌های داستانی یا دانش‌افزایی را به عذاب کتاب‌های کمک‌درسی ترجیح داده است؛ اما من این گفتهٔ او را تنها آفت یادگیری‌اش نمی‌دانم. به‌نظم چالش‌های بیشتری، آیندهٔ تحصیل و زندگی‌اش را به خطر می‌اندازد.

کتاب‌های کمک‌در ۳۰



مجید راستبی، کتاب‌های کمک‌درسی را طاعونی میدانند که چند سالی است گریبان دانش‌آموزان و کتاب‌های درسی را گرفته است. او بر این باور است که کتاب کمک‌درسی که او نام جالب «کتاب - معلم» را به آن‌ها داده است، هیچ‌گاه نمی‌تواند جای یک معلم را بگیرد؛ زیرا یک معلم در واقع معلم - شاگرد است؛ او بی‌واسطه با شاگرد ارتباط دارد، او را می‌شناسد، درس را توضیح می‌دهد و همان‌جا ابهام یا پرسش شاگرد را می‌شنود و به شکل مناسب به او پاسخ می‌دهد؛ کاری که کتاب درسی از دور می‌خواهد انجام دهد. این یادداشت متفاوت را بخوانید.

می‌خواهد؟ آن هم معلم‌هایی که هر یک سبک و روش خود را دنبال می‌کنند و عجیب‌تر آنکه هم می‌خواهند معلم باشند و هم کتاب!

حرف تمامی این کتاب - معلم‌ها این است: «نمره بیست می‌خواهید؟ ما را «بخرید» و بخوانید!»
و بعد هم اگر لازم شد که لازم هم می‌شود، کلاس‌های تقویتی، معلم‌های خصوصی، قبولی با سه جلسه و... و تزریق فقر فرهنگی، علمی و مالی به دانش‌آموز و خانواده‌ها برای نمره؛ نمره قبولی؛ نمره بیست!

کتاب کمک‌درسی در هیچ کجای دنیا نمی‌تواند معلم - شاگرد باشد.

اگر ضعفی در آموزش و پرورش هست، که در مواردی هست، کم داشتن معلم‌های توانمند یعنی معلم - شاگردهاست. دانش‌آموزان نمی‌توانند دانش معلم را جدای از او، در کتاب کمک‌درسی بیاموزند؛ چرا که معلم‌باوری شرط لازم و معقول یادگیری است.

سخن پایانی آن که «هنر معلمی» توانی است برای تأثیرگذاری در یادگیری دانش‌آموزان که کتاب‌های کمک‌درسی فاقد آنند.

چند سالی است که طاعون کتاب‌های کمک‌درسی، گریبان کتاب‌های درسی را گرفته است و به ازای یک کتاب درسی، چندین کتاب کمک‌درسی منتشر شده و می‌شود.

تصور کنیم، خانم معلم با شور و اشتیاق و در سکوت شنیدنی دانش‌آموزان، درسی از کتاب درسی را برای آنان شرح می‌دهد. ناگهان تقی به در می‌زنند. کسی آمده است با بسته‌ای کتاب. لای در را باز می‌کند و می‌گوید: «این‌ها کتاب کمک‌درسی است. بچه‌ها بخوانند تا درس را خوب یاد بگیرند.» کمی بعد شخص دیگری بسته‌ای کتاب کمک‌درسی می‌آورد و می‌گوید: «بچه‌ها، این کتاب را بخوانید تا درستان را خوب یاد بگیرید.» و اندکی بعد نفر سوم می‌آید و می‌گوید: «اگر این کتاب را بخوانید، حتماً بیست می‌گیرید!»

معلم به انبوه کتاب‌ها چشم دوخته است که هر یک می‌خواهند به دانش‌آموز درس را خوب یاد بدهند؛ اصلاً نمره بیست بدهند. اما یادمان نرود درسی را که معلم رودررو به دانش‌آموز می‌دهد و با توضیحاتش کمک می‌کند تا آن مطلب را خوب بفهمد و یاد بگیرد، کتاب‌های کمک‌درسی می‌خواهند از راه دور و بدون آشنایی با مخاطب، انجام دهند؛ یعنی معلم بشوند، جای معلم را بگیرند و درس بدهند. حال باید پرسید: آیا یک درس چند معلم

کوتاه کردن دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی



بابک نیک‌طلب، شاعر سرشناس حوزه کودک و نوجوان، مانند همه نویسندگان، شاعران و معلمان‌ی که دغدغه فرهنگ و مطالعه دارند، معتقد است تنگ شدن عرصه بر کتاب‌های کمک‌درسی، میدان را برای کتاب‌های داستانی و ادبی و دانش‌افزایی می‌گشاید. او در این یادداشت به هزینه‌های هنگفت کتاب‌های کمک‌درسی و کلاس‌های کمکی انگشت می‌گذارد و آرزو دارد محدودیت کتاب‌های کمک‌درسی، دوباره نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه و شعرهای حافظ و سعدی و مولوی را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره جاری سازد. این یادداشت را بخوانید.

و علم‌آموزی بیش از پیش شد و آهسته آهسته ناشران هم به سمت کتاب‌های غیر داستان و شعر تمایل پیدا کردند. حتی ناشران تخصصی ادبیات و هنر هم کتاب کمک‌درسی را بهتر فروختند و از شاعر و نویسنده و هنرمند و مهندس و پزشک و... تقاضای نوشتن کتاب‌های کمک‌درسی کردند. کار به جایی رسید که سبد خانواده از کتاب پر شد؛ اما از کتاب‌های کمک‌درسی و نه از مجموعه شعر و قصه و متون کهن ادبی، اجتماعی، فرهنگی که هزار سال در تاقچه و کتابخانه منازل جاداشت.

پدر و مادر و خانواده‌ها هم تحت فرمان فرزندان و اولیای آموزشی مدارس، هزینه این کتاب‌ها را به جان خریدند. شگفت آنکه خود من نیز به عنوان یک شاعر و نویسنده و اهل کتاب، سه یا چهار سال گذشته، اگر کل مبلغ کتاب درسی فرزندم ۳۰ هزار تومان می‌شد، ۲۰۰ هزار تومان برای کتاب‌های کمک‌درسی همراه، تقدیم آموزشگاه دولتی کردم. پس از آن هم چشمم به جمال کتاب‌های پیش‌دانشگاه و کنکور و پساکنکور روشن شد و هم‌چنان در پی این قافله لنگ لنگان دوانم.

اما شنیده‌ها و دیده‌ها حاکی است که به فضل الهی، گویا متولیان آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۷ عزم جزم کرده‌اند که دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی را چه از بالاترین رسانه‌ها و چه از کف کوچک‌ترین کلاس‌های مدرسه کوتاه کنند. که اگر چنین شود، می‌توان نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره حس کرد و طنین غزل مولانا و حافظ و دیگر شاعران را دوباره شنید.

شاید جای مجموعه‌های تست و ضمیمه فلان کتاب درسی در قفسه‌ها با فرهنگ‌نامه‌های پرمحتوا و اصیل عوض شود و باز کتاب‌خانه خانگی برای همه اعضای خانه قابل بهره‌گیری و منشأ فیض باشد.

یادم هست تازه دوره دبستان را به پایان برده بودم و تازه خودم به مغازه لوازم تحریری محله سر می‌زدم تا مدادی و تراشی، علاوه بر آنچه پدر و مادرم می‌گرفتند، خریداری کنم.

دوستانم می‌گفتند نباید حل‌المسائل ریاضی یا انگلیسی یا... داشته باشیم که اگر مدرسه بفهمد تنبیه می‌کند. مفهوم مدرسه و تنبیه کم و بیش روشن بود، اما حل‌المسائل را همگان نداشتند و شکر خدا نیازی هم حس نمی‌شد. پس انگیزه‌ای هم برای داشتنش نبود. اوقات فراغت هم با خواندن کتاب قصه یا شعر یا امانتی از کتابخانه مدرسه یا هدیه عزیز پر می‌شد.

سال‌ها گذشت و دبیرستان را با اتفاق‌های دهه شصت طی کردم و به سدی به نام کنکور رسیدم. به اصرار و همراه دوستی که می‌خواست حسابداری بخواند، در کلاسی بیرون از مدرسه، برای اولین و آخرین بار نام نوشتیم و دیدم چیز دیگری هست که هر پرسشش، چهار پاسخ دارد و...

من راه خود را پیش گرفتم و دست تقدیر مرا به مدرسه آورد و دبیر شدم و چرخ گردون گشت و گشت و گشت. کشتی هدایت آموزش و پرورش در مسیر گاه آرام و گاه طوفانی، سکانداران مختلفی را به خود دید؛ تا جایی که کتاب‌های درسی خوش‌بختانه کم‌حجم و به‌روزتر شدند.

بچه‌ها دیگر دانش و دریافته‌شان محدود به درس و مدرسه نماند و فرصت‌های بهتری برای فراگیری یافتند. در عوض گستره مطالعاتشان افزوده شد و کتاب‌های ناشران و کلاس‌های خارج از مدرسه هم برایشان دست یافتنی و دلخواه و گاهی واجب شد. مؤسسه‌هایی هم برای همه گروه‌های علاقه‌مند به هوش بیشتر و علم برتر به عنوان‌های گوناگون و با دل‌سوزی نهادهای مختلف به وجود آمد. همگان هم خشنود از فضای خوب رقابت به استقبال از وضع موجود پرداختند. کم‌کم رغبت خانواده‌ها به دانش‌افزایی

کوله‌پشتی‌های پر از خالی



علی اصغر جعفریان ضمن آنکه نویسنده کودکان و نوجوانان است، سال‌هایی را مدیر مدرسه بوده است. او از تجربه ممنوع کتاب‌های حل‌المسائل در سال‌های مدرسه رفتنش می‌گوید و از اینکه حالا، این میوه ممنوع در لباس‌های تازه و خوش‌رنگ، به فراوانی و آسانی و با نام‌های فریبا بر در و دیوار و روی بردهای شهر و بر صفحه تلویزیون چهره می‌نماید و مانند یک سونامی بزرگ، همه چیز را به ویرانی می‌کشد و متوجه دانش‌آموز، مدرسه، مدیر، معلم، برنامه آموزشی و همه چیز می‌شود.

علی اصغر جعفریان، نویسنده کودک و نوجوان

به سوی مدرسه

روی جلد کتاب‌ها هم امکانش هست. باید به حرف معلم بیشتر توجه می‌کرد. آخر معلم سؤال طرح می‌کرد و کاری به حرف معلم راهنما نداشت. شب از نیمه گذشته بود. چشمانش سرخ شده بود. او در وسط اتاق نشسته بود و کتاب‌ها و دفترها و نمونه سؤالات دورتا دورش را گرفته بودند. سرش از آن همه کتاب گیج می‌رفت. مست خواب بود.

لاغر اندام و نحیف بود. جثه ریزش در بین همکلاسی‌ها به چشم می‌آمد. دیرش شده بود. آن روز خواب مانده بود. کتاب‌ها را یکی یکی با عجله داخل کوله جا داد. کوله پر شده بود. حالا دو تا کتاب روی دستش مانده بود. هر چه فکر کرد آن دو کتاب را کجای کوله جا بدهد، راهی به ذهنش نرسید. زیر لب غرغر کرد: «آخه این همه کتاب؟ برای چی؟ آخه چرا؟ به خدا خسته شدم!» زپ کوله را به سختی بست. تصمیم گرفت دو تا کتاب را به دستش بگیرد. با عجله کتانی‌هایش را پوشیده‌نیوشیده بیرون خانه رفت تا از سرویس جا نماند.

و اما...

سال‌های مدرسه رفتنم را خوب به یاد می‌آورم. آخر دهه پنجاه و شصت. در آن سال‌ها بزرگ‌ترین خلاف دانش‌آموزان خریدن و به همراه داشتن کتاب حل‌المسائل بود. حل‌المسائل کتابی بود که جواب سؤالات و تمرین‌های همه درس‌ها را در خود داشت. برای دانش‌آموزان تنبل و راحت‌طلب، هلو بپر توی گلو بود. بدون کوچک‌ترین زحمتی جواب‌ها را جلوی مسئله‌ها می‌نوشتند و نشان معلم می‌دادند. بچه‌هایی که کتاب را تهیه می‌کردند، به هیچ عنوان جرئت آوردن آن را به مدرسه نداشتند؛ حتی شجاعت اینکه بگویند یک جلد از آن کتاب‌ها را دارند نداشتند. تک و توک افرادی هم که کتاب را به مدرسه می‌آوردند، طوری جلد می‌کردند که جلدش خوانده نشود و با احتیاط و ترس و لرز، پنهانی و دزدکی آن را از کیف بیرون می‌آوردند و نگاهی بهش می‌انداختند و تند در کیف می‌گذاشتند. اما در این روزگار همان کتاب‌ها را با اسامی مختلف و گول زننده با طراحی جلد‌های شیک و جذاب، با کاغذهای سفید، با تبلیغات وسیع در تلویزیون و پوستره‌های رنگارنگ و هنری، در بردهای سطح شهر و مجله و روزنامه، در مدرسه و خیابان و خانه به خورد دانش‌آموزان و معلمان و مدیران می‌دهند. و جالب اینکه در این روزگار داشتن چنین کتاب‌هایی را از رموز موفقیت می‌شمارند و وانمود می‌کنند که افتخار بزرگی محسوب می‌شود.

اما ایراد این کتاب‌ها یکی دو تا نیست. من که بیش از دو دهه مدیر مدرسه هستم، به خوبی شاهد ویرانگری آرام آرام این نوع کتاب‌ها، در این سال‌ها در محیط مدرسه بوده‌ام. ویرانگری این

کلاس درس

معلم ریاضی وارد کلاس شد. مبصر برپا داد. بچه‌ها به زحمت و با سختی از جا بلند شدند. صدای افتادن چند کتاب و دفتر از روی میز و دسته‌صندلی سکوت کلاس را شکست. درس شروع شد. معلم در هنگام تدریس بچه‌ها را به این کتاب و آن کتاب و جزوه ارجاع می‌داد. بچه‌ها یکی یکی با سرعت از کوله‌هایشان کتاب‌ها را بیرون می‌آوردند و روی میز جا می‌دادند تا از درس عقب نمانند. طولی نکشید که روی میزها پر از کتاب و دفتر شد. دیگر روی میز جا نبود. کتاب‌ها روی هم قرار داده شده بودند تا در دسترس باشند. بچه‌ها نمی‌دانستند حواسشان به درس باشد یا به کتاب‌ها و دفترشان که از روی میز نیفتند؛ تا دم دستشان باشد؛ تا از درس عقب نمانند.

شب امتحان

چندین بار درسش را برای امتحان فردا دوره کرده بود. اما باز استرس داشت. دلش آرام نمی‌گرفت. شاید از آن یکی کتاب سؤال بیاید؛ نه شایدم از جزوه. به یاد می‌آورد معلم راهنما روزی گفته بود مینای سؤال کتاب‌های درسی است؛ اما معلمشان گفته بود امکان طرح سؤال از همه منابع وجود دارد. از کتاب اصلی، جزوه، کتاب آن یکی مؤسسه، کتاب این یکی مؤسسه و حتی

بکشد و روزبه‌روز حساب مدرسه و جیب اولیای دانش‌آموزان خالی و خالی‌تر بشود.

یادش به‌خیر آن روزگاران نه‌چندان دور که کیف و کوله بچه‌ها سبک بود. طوری که می‌توانستند به‌راحتی کیفشان را برای بازی‌های کودکانه هم که شده، چند دور دور سرشان بچرخانند. اولیای دانش‌آموزان هم بدون هیچ دغدغه‌ای زندگی آرام خود را سپری می‌کردند و اصلاً نگرانی جور کردن هزینه سنگین انواع بسته‌ها و کتاب‌های جور واجور کمک‌درسی را نداشتند و جلوی دانشگاه تهران، از این کتاب‌فروشی به آن کتاب‌فروشی نمی‌رفتند تا کتاب مورد نظرشان را بخرند.

امیدوارم دیگر زمان آن فرا رسیده باشد تا همگی متوجه ضرر و زیان‌های سونامی کتاب‌ها و بسته‌های کمک‌درسی برای نظام آموزشی و بچه‌های عزیزمان شده باشیم و راه منطقی و مناسبی را در راستای آموزش و پرورش انتخاب کنیم.

کتاب‌ها فقط شامل حال دانش‌آموزان نمی‌شود. این خرابکاری متوجه مدرسه و مدیر و معلم و برنامه آموزشی آموزش و پرورش در سطح کلان نیز می‌شود.

یادش به‌خیر معلم‌های قدیمی و با تجربه هر کدام برای خودشان یک پا نویسنده کتاب درسی بودند. جزوه‌هایی از خودشان بر اساس تدریس شخصیشان به بچه‌ها می‌دادند که به راستی مکمل کتاب درسی بود. سؤالات طراحی شده معلم‌ها خودش جای کلی بحث دارد. سؤالات خلاقانه، سؤالاتی که هر کدام کلی مطلب به دانش‌آموز می‌فهماند. دسته سؤالاتی که هیچ کدامشان با دیگری مشابه نبودند و بوی معلم کلاس می‌داد. مدیران مدارس در خدمت چنین معلمانی بودند تا از هر نظر کم و کاستی در کارشان وجود نداشته باشد. نه در خدمت قراردادهای آن‌چنانی با انواع مؤسسات ضد آموزشی (نه کمک‌آموزشی) تا بدین صورت رقم حساب‌های بانکی آن مؤسسات سر به فلک

ما هم ضرب‌المثل می‌شویم؟



احمد عربلو، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان

احمد عربلو نویسنده طنزپرداز ادبیات کودک و نوجوان، از دریچه طنز به تماشای وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی و موافقان و مخالفان آن نشسته است. او با ادبیات خاص خود تبلیغات مستمر و پر زرق و برق صدا و سیما را در یک سو و کوشش‌های کارشناسان آموزش و پرورش را در سوی دیگر می‌گذارد و نگران است مبادا این کش و قوس‌ها ما را ضرب‌المثل آیندگان کند. این یادداشت کوتاه طنز را بخوانید.

از فیلتر هفت هشت ده تا کارشناس رد شده و به اصطلاح از آب گذشته است.

حالا این صحنه را بگذارید کنار این صحنه که عده زیادی کارشناس مجرب در آموزش و پرورش بعد از جلسات طولانی چند هزار کیلومتری و خوردن کلی میوه و چای و زحمات فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که بسته‌ها و کتاب‌های کمک‌درسی چه آفات فراوانی دارند و نباید در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرند. تلویزیون با قدرت این کتاب‌ها را تبلیغ می‌کند و کارشناسان هم تأکید می‌کنند که این جور کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی بسیار مضرند.

بسیاری از ضرب‌المثل‌ها ریشه در همین اتفاقات عجیب و غریب و متضاد دارد. حالا فرض کنید آیندگان بخواهند از این ماجرا ضرب‌المثل بسازند. به نظر شما چه خواهند ساخت؟ نکنند شوخی شوخی، ما هم برای آیندگان ضرب‌المثل شویم...

ضرب‌المثل‌ها دنیای جالبی دارند. حکایت هر ضرب‌المثل خیلی خواندنی است. اتفاقاتی افتاده و بعد تبدیل به ضرب‌المثل شده است. «قسم حضرت عباس و دم خروس»، «با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد»، «برای ما آب نداشت، اما برای تو نان داشت» و...

حالا به این صحنه توجه کنید: وسط یک سریال نسبتاً خوب (!) یا بین دو نیمه یک مسابقه هیجان‌انگیز فوتبال، چند مرد و زن، یا خانواده‌ای با بچه‌های شیک‌پوش در فضایی آکنده از رنگ و زرق و برق و حتی صداهای شیک می‌آیند و با هیجان تبلیغ فلان بسته یا کتاب کمک‌درسی را می‌کنند؛ و چنان با جدیت این کار را انجام می‌دهند که پدر و مادرها هیجان‌زده می‌شوند و البته پر از نگرانی که مبادا دیر بجنبند و صبح که برای خرید آن بسته یا کتاب بروند، تمام شده باشد!

بالاخره سیماست و وقتی چیزی را تبلیغ می‌کند، حتماً حداقل

سلطنت تست و کتاب کمک‌درسی بر کلاس



افسانه موسوی گرمارودی، نویسنده و سردبیر مجله رشد نوآموز، که سال‌هایی را نیز در کسوت معلمی سپری کرده است، با دريغ و تأسف از سیطره تست و کتاب کمک‌درسی بر کلاس‌ها سخن می‌گوید و بر این باور است که معلم و معلمی از سلطنت افتاده و تست و تست‌زنی جای درس و کلاس و اخلاق و الگوبرداری را گرفته است و کار معلم در حد پاسخ‌گویی به چند صدتست محدود شده است. این یادداشت را بخوانید.

شد و استفاده از این شیوه دامن معلمانی را که دغدغه نانشان از دغدغه تلطیف روح و جان دانش‌آموزانشان بیشتر بود، تر کرد و آنانی که تاب خم شدن در برابر این انحرافات را نداشتند، تن به خروج از این سیستم دادند. دسترسی به کتاب‌های متعددی که صفر تا صد کتاب درسی را حل‌جا کرده بود، برای اکثر دانش‌آموزان فراهم شد و آن‌ها را از بحث و فحص کلاس بی‌نیاز کرد و مجال تحلیل و تفکر را از آنان گرفت.

معلم از سلطنت افتاد و حرمت تست و تست‌زنی جای درس و کلاس و اخلاق و الگوبرداری را گرفت و دانش معلم در حد پاسخ‌گویی به چند صدتست محدود شد. معلم بینوا به خود شک کرد و آموخته‌هایش را در زورق خاطرات پیچید و مطالعه کتاب‌های کمک‌درسی را جایگزین چندین واحد تعلیم‌و تربیت دانشگاهی کرد. مدرسه برای دانش‌آموزان به فضایی سخت و غیرقابل تحمل تبدیل شد که ملزمشان کرد بهترین سال‌های عمر دانش‌آموزی خود را برای رسیدن به مرحله دانشگاه در مسیری خطی و قراردادی سپری کنند؛ مسیری به نام کسب مهارت تست‌زدن و به خاطر سپردن طوطی‌وار دانش‌هایی که کمتر به درک و فهم و تحلیل می‌رسید. آن‌ها به کمک کتاب، نه معلمی که با روح و اندیشه خود درصدد انتقال آموخته‌های یک عمر دانش و تجربه به آن‌هاست، در مسیری قرار گرفتند که اگر فنون آن را بیاموزند، چون دونده‌ای متقلب میانبر را از راه راست بازشناخته و علی‌الظاهر پیروز میدان خواهند بود. غافل از اینکه همین فرزندان معصوم وقتی پا به محیط دانشگاهی می‌گذارند و در فضای پژوهشی قرار می‌گیرند، آن‌قدر از این مقوله عقب هستند و فضای تحلیلی برایشان ناآشناست که زمان بسیار زیادی را برای آموختن شیوه‌های پژوهشی از دست می‌دهند؛ البته اگر از میان چند صد هزار دانشجوی راه یافته، چند تن انگشت‌شمار پیدا شوند که هنوز شمع پرسشگری وجودشان از تلاطم طوفان شیوه‌های نادرست کتاب‌های کمک‌درسی خاموش نشده باشد و کورسوی امیدی در شعله‌ور کردن این حس غریب در آن‌ها وجود داشته باشد. و البته اگر در مقاطع بالاتر شیوه‌های نادرست دیگر پژوهشی و دیگرنویسی مجال خودباوری را در آنان از بین نبرد.

به خاطر دارم سال‌ها پیش که معلم بودم، الگوی تمام سال‌های تدریسم، بهترین معلم دوره تحصیل بود؛ همو که با اعجاز رفتار و گفتارش اندیشه معلم شدن را در جانم نشانده. معلمی که خود دائم در حال آموختن بود و ورای کتاب و درس موظفش ما را شایسته دانستن کرده بود. کلاس درس و اندیشه توانمند و رفتار و کردار معلمانه‌اش چنان نرم بود که روزها در پی هم می‌گذشتند و اشتیاق به کلاس و تکرار حضورش ما را به وجد می‌آورد. آن‌قدر مسلط و با اقتدار بود که جز نام «سلطان پرسطوت کلاس» نام دیگری را توصیف‌کننده روح حاکم بر درس و فحص کلاس او نمی‌یابیم. شیوه او در تدریس اگرچه بیشتر تبادل نظر بود؛ اما شیرینی کلامش از او سخنوری متبحر می‌ساخت و اگر ساعت‌ها به روش سخنرانی درس را ارائه می‌کرد، گذر زمان را حس نمی‌کردی. فصاحت کلامش مثال‌زدنی بود و اعتماد و اشتیاق مستمعین به دانشش بسیار. همه این صفات از او معلمی بی‌همتا ساخته بود. آموزندگان درسش او را از هر منبعی برای مراجعه صائب‌تر می‌دانستند و او که خود همواره تشنه آموختن بود با ارجاعات درستی که می‌داد، از تک‌تک دانش‌آموزان، پژوهشگری تشنه یافتن و محقق‌پیکر می‌ساخت.

من نیز سال‌های سال تلاش کردم دانش‌آموزانی پرسشگر و تلاشگر تربیت کنم؛ اما سالی دریغ از سالی دیگر گذشت و حسرت آموزشی چنین بر جان و روحم ماند. شگفت‌زده می‌شدم وقتی پرانرژی، محثی را پیش رویشان می‌گشودم و آن‌ها به دنبال پیدا کردن خلاصه‌های پربار، نام کتاب‌های کمک‌درسی را جویا می‌شدند و کلاس را بطلان وقتی می‌دانستند که می‌توانست زمان آن جایگزین آموزش‌های فردی برای راه‌یابی به المپیادهای مختلف و یادگیری چند تست بیشتر شود. ذره‌ذره طرح درس‌های تکمیلی و راه‌های متعدد تدریس برای ایجاد تفکر انتقادی کنار رفتند و به درخواست کادر آموزشی مدرسه که ملزم بود برای خود شناسنامه‌ای روشن در کسب نتایج ورودی‌های دانشگاه بسازد، کتاب‌های تست جایگزین شدند و معلمانی که درس آموخته مکتبی پرسشگر و تحلیل‌گر بودند کجا می‌توانستند طراح تست‌های محدودگر باشند. پس بازار دلالان گرم و گرم‌تر

آفات فست‌فودهای آموزشی یا بازار یوسف‌های ارزان



حبیب یوسفزاده، می‌گوید ممکن است در کشورهای دیگر نیز کتاب‌های کمک‌درسی منتشر شوند، اما معمولاً تعریف و ساختاری هدفمند دارند و بیشتر از مخاطبان‌شان دانش‌آموزان باشند، وسیله‌ای هستند در دست معلمان تا به شکل مناسب از آن بهره بگیرند. او بر این باور است که «کتاب‌های کمک‌درسی» متأثر از جمعیت چهارده، پانزده میلیون نفری دانش‌آموزان و سود و سوسه‌کننده‌ای که دارند، رشدی سرطانی یافته‌اند و از آنجا که «قدر یوسف» شکسته است، بازار تجارت یوسف‌های تقلبی رونق یافته است. خواندن این یادداشت ممکن است چند دقیقه‌ای از وقت ما را بگیرد، اما دیدگاه نویسنده و اطلاعات جالبی که در این حوزه به ما می‌دهد، شاید باعث شود بگویید، می‌ارزید این وقت را بگذاریم.

مکمل برنامه درسی، «co text book» (همراه کتاب درسی) یا «work book» (کتاب کار) یاد می‌شود. مخاطبان این کتاب‌ها - که طبق استانداردها و چهارچوب برنامه درسی رسمی تدوین می‌شوند - بیشتر از آنکه دانش‌آموزان باشند، معلمان‌اند و اهداف مختلفی را پیگیری می‌کنند که برخی از آن‌ها به این شرح است:

- ارتقای سواد خواندن و گسترش دامنه لغات و غنی‌سازی زبان؛
- ارتقا سطح علمی معلمان برای فراتر رفتن از محدوده کتاب‌های درسی و توسعه قوه شناخت دانش‌آموزان؛
- دامن زدن به فعالیت‌های فوق‌برنامه و غنی‌سازی مفاهیم در کلاس درس؛
- تشویق و انگیزش دانش‌آموزان به کند و کاو در منابع و مفاهیمی فراتر از محدوده برنامه درسی؛
- آموزش نحوه کاربری، طبقه‌بندی و فرآوری و به‌روز کردن اطلاعات و تبدیل مخاطبان به یادگیرندگان مادام‌العمر. اگر نگاهی اجمالی به کتاب‌های کمک‌درسی تولید شده در بنگاه‌های آموزشی-تجاری کشورمان بیندازیم، به وضوح خواهیم دید که چقدر با اهداف یاد شده منطبق هستند! غالب این کتاب‌های «حل‌المسائل» و «بانک سؤالات چند گزینه‌ای» به جای اینکه فضای یادگیری مخاطبان را گل‌کاری کنند، طبق طبق شکر به خورد آن‌ها می‌دهند و البته هیچ زنبوری به اقتضای طبیعتش، از اینکه زحمتش کم شود و به جای شهید ناب، انبان خود را آکنده از شیرۀ آماده کند، نه تنها آزرده

آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی، کتابی دارد که در ایران با عنوان «هنر همیشه بر حق بودن» ترجمه شده است. وی در مقدمه کتاب تصریح می‌کند، قصدش از نگارش آن افزودن قدرت مخاطب در مجادله و فریب رقیبان نیست، بلکه صرفاً خواسته است آن‌ها را نسبت به روش‌های سفسطه‌گران آگاه نماید. یکی از ترفندهای مورد اشاره در این کتاب «بسط دادن گستره مصداق» و به عبارتی گنجاندن پیاز در ردیف میوه‌هاست. این شیوه ظریف که به فراوانی در دعاوی و مناقشات مورد استفاده قرار می‌گیرد، با اندکی غفلت می‌تواند ورق را به نفع مدعی برگرداند و در قبولاندن مفهومی نادرست به طرف مقابل مؤثر واقع شود. مثل اینکه بگوییم: هیچ انسانی کاملاً سیاه‌پوست نیست، چون به هر حال دندان‌های سفیدی دارد!

در تاریخ آموزش و پرورش ایران، به‌ویژه در چند دهه اخیر، یکی از چیزهایی که گستره مصداق آن جهشی سرطانی داشته است، عبارت «کتاب‌های کمک‌درسی» یا به تعبیر برخی «کمک آموزشی» بوده است که خود متأثر از جمعیت چهارده، پانزده میلیون نفری دانش‌آموزان و سود و سوسه‌کننده و کلانی است که می‌توان با پرسه زدن در اطراف این جمعیت پرشمار به جیب زد.

در کشورهایی که دانش‌آموزان مهم‌ترین سرمایه انسانی تلقی می‌شوند و نه بازاری بالقوه برای سودجویی، کتاب‌های کمک‌درسی تعریف و ساختاری هدفمند دارند و از آن‌ها با عناوینی همچون «supplementary books» (کتاب‌های

نمی‌شود، بلکه قدردان هم خواهد بود. همانند مواد هورمونی و خوراکی‌های زیان‌بخشی که در برخی باشگاه‌های بدن‌سازی برای برجسته ساختن سریع عضلات به خورد مشتری‌ها می‌دهند و پهلوان پنبه‌های خلق‌الساعه پدید می‌آورند! اما این عمل دور از انصاف، در دراز مدت نسلی شکرخوار و بیگانه با گلستان معرفت و لذت دانستن پدید خواهد آورد که ذهنش به فسق‌فودهای آموزشی خو گرفته، ذائقه‌اش با منابع خوش طعم پفکی کور شده و انگیزه‌های برای غور در رازهای عالم و گسترش مرزهای دانش نخواهد داشت.

البته بر این‌گونه بنگاه‌های شبه‌آموزشی و توزیع کنندگان عسل تقلبی خرّجی نیست؛ زیرا بدیهی است که خزها در محیط مرطوب و مناسب روی درختان رشد می‌کنند و یکی از مؤثرترین پدیدآوردندگان این محیط مناسب در جنگل فعلی، رسانه‌هایی هستند که خود به هر دلیلی از همین بنگاه‌ها ارتزاق می‌کنند و هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی برقرار کرده‌اند! برای همین است که صدای عالی‌ترین مقام اجرایی در امر تعلیم و تربیت (وزیر آموزش و پرورش) ناشنیده گرفته می‌شود و بلافاصله بعد از پخش ابلاغیه ایشان مبنی بر ممنوعیت استفاده از کتب کمک‌درسی در دوره ابتدایی، رسانه ملی آگهی کنکور پخش می‌کند و این البته پیام روشنی دارد: عیسی به دین خود، موسی به دین خود!

هر ملتی برای حفظ ذات و هویت خود، نیازمند متاعی است که نتوان رویش قیمت گذاشت و خرید و فروش کرد، اما وقتی رسانه ملی گاهی در سه شبکه به طور هم‌زمان درس مهارت تست‌زنی در کنکور پخش می‌کند، مصداق این بیت از شاعر معاصر، فاضل نظری است: «دوک نخ‌ریسی بیاور یوسف مصری ببر/ شهر از بازار یوسف‌های ارزان پر شده است!» قدر یوسف را که بشکنیم، به راحتی می‌توان تجارت یوسف‌های تقلبی راه انداخت.

عامل مهم دیگری که در پدید آوردن محیط مناسب برای رواج فسق‌فودهای ذهنی نقش عمده‌ای دارد، شاکله فرهنگ عمومی، شرایط اجتماعی و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه است که باز باید اذعان داشت عمدتاً از رسانه‌ها و ارزش‌گذاری مراجع تصمیم‌گیری خط می‌گیرند. وقتی فرصت‌های شغلی نه بر اساس شایستگی‌ها که بر اساس مدارک تحصیلی توزیع می‌شوند، وقتی نظام آموزش و پرورش کشور برای تأمین -

فقط - دستمزد معلمانش دائم دست و پا می‌زند و با چالشی پایان‌ناپذیر روبه‌روست، وقتی هزاران دختر در کشور در رشته‌هایی همچون زمین‌شناسی و معدن تحصیل می‌کنند، بی آنکه امکان ورود و فعالیت چندانی در این عرصه برای آنان وجود داشته باشد، وقتی فرصت‌ها در پی سراب مدارک تحصیلی بالاتر سپری می‌شوند، وقتی کارخانه تولید لبنیات به دلیل گران‌فروشی جریمه می‌شود، در حالی که مبلغ جریمه فقط کسری ناچیز از سودی است که از این طریق عایدش شده است! مسلم است که در چنین اوضاعی نباید انتظار شکوفایی به‌ویژه در عرصه تعلیم و تربیت داشته باشیم.

اما کدام نهاد است که قابلیت بر هم زدن این اوضاع را- ولو به تدریج- دارا باشد؟ بی‌شک ناچاریم به سر خط برگردیم و چاره کار را در تعلیم و تربیت درست و کاشت درخت صدساله جست‌وجو کنیم. باید علاوه بر محتوا و منابع، در روش‌های خویش تجدید نظر کنیم. باید طبق‌های مسموم شکر را از جلوی کندوها جمع‌آوری کنیم و فرصت رشد پایدار و طبیعی را به فرزندانمان بدهیم. چه بسا با اندکی نازک اندیشی و تدبیر بتوان ظرفیت بنگاه‌های شبه‌آموزشی فوق‌الذکر را در جهت صحیح فعلیت بخشید و با مشارکت ذابطه‌مند آنان در نظام تعلیم و تربیت - به مثابه بخش خصوصی- و تجدید نظر در رویکردهایشان، طرحی نو در انداخت.

البته در سال‌های اخیر اقداماتی در این راستا صورت گرفته است که درج فهرست منابع آموزشی مناسب در انتهای کتاب‌های درسی یا ایجاد سازوکار «سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، از آن جمله‌اند. همچنین نشریات «رشد» و شبکه ملی مدارس (www.roshd.it) که در شرایط کنونی، به‌ویژه برای دانش‌آموزان، نقش مکمل برنامه آموزشی را به خوبی ایفا می‌کنند، بسیار مغتنم هستند، اما به دلایل مختلفی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، حتی این مقدار نیز چنانکه باید مورد بهره‌وری قرار نگرفته است. چرا که به‌طور مثال توزیع نشریات رشد در مدارس تا حد زیادی به میل و سلیقه مدیران مدارس وابسته است. با این وصف، تجربه ثابت کرده است که کار خطیر تحول در نظام تعلیم و تربیت، عبور از تغییرات فرمی و دستیابی به تحول کیفی و بنیادین، نیاز به عزم ملی و حساس نمودن مسئولان و آحاد جامعه به این امر مهم دارد.